شش معاهده پیامبر اکرم با مسیحیان زمانه

با گردآوری و مقدمه از
دکتر جان اندرو مارو
(الیاس عبد العلیم اسلام)

ترجمه فارسی به قلم
دکتر محمدرضا فخر روحاني

دانشگاه قم
قم، ایران

© JOHN ANDREW MORROW, 2020

The Covenants of the Prophet Foundation
2415 Hobson Road
Fort Wayne, Indiana
United States, 46805

www.covenantsoftheprophet.org

www.johnandrewmorrow.com

You may download this work and share it with others so long as you credit the source completely. You cannot change this work in any way nor can you use it commercially.

Attribution-NonCommercial-NoDerivs CC BY-NC-ND

فصل اوّل: معاهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با رهبانان کوه سینا

متن از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

بسم الله الرحمن الرحیم

(نسخه‌ای از متن دستنوشت معاهده (عربی **عهد**) نوشته شده فیمابین محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم با همه مسیحیان)

این متن نوشته شده توسط محمّد بن عبدالله، بشیر و نذیر که متعهد به حفاظت و صیانت از مخلوقات خداوند است به صورتی که هیچ ادعایی در مقابل خداوند و رسولانش مطرح نشود که خداوند قادر و حکیم است.

او این معاهده را برای پیروان دینش و همه آنانی که در شرق و غرب، خواه نزدیک و خواه دور، چه عرب و چه غیر عرب، اشراف و یا مردمان عادی بوده و به دین مسیحیت اعتقاد دارند نوشته که معاهده حمایت می‌باشد.

اگر کسی معاهده‌ای که در اینجا ذکر می‌شود را نقض نماید، از آن تخلف ورزد و یا از دستورات آن سرپیچی نماید، عهد خداوند را شکسته، رشته ارتباط با خداوند را قطع کرده، دینش را به سخره گرفته، و مستحق لعن می-شود، خواه در میان مسلمانان سلطان بوده و یا فردی عادی باشد.

اگر راهب یا زائری پناه بجوید، خواه در کوه باشد و یا در دره، در غار باشد و یا در مزرعه آباد، در دشت باشد یا در بیابان، و یا در کلیسا باشد، من پشت سر آن‌ها بوده و از آنان در برابر هر دشمنی حمایت خواهم کرد: من، حامیانم،

همه افراد معتقد به دینم و همه پیروانم برای حمایت از آنان (رهبانان و زائران) بوده، زیرا آنان در موکب من و اهل ذمه من می‌باشند.

من از آنان در مقابل ایجاد مزاحمت در خصوص آذوقه‌هایشان و در امر پرداخت مالیات‌هایشان حمایت می‌کنم، مگر آنکه آنان از روی علم سر باز زنند. در هیچ یک از این امور، اجبار و یا محدودیتی وجود نخواهد داشت.

هیچ اسقفی از قلمرو اسقفی‌اش، هیچ راهبی از دیرش، هیچ معتکفی از صومعه‌اش و هیچ زائری از مسیر زیارتی‌اش منع نخواهد شد. بعلاوه، هیچ ساختمانی از کلیساهایشان تخریب نخواهد شد و هیچ مالی از کلیساهایشان برای ساخت مساجد و یا خانه‌های مسلمانان گرفته نخواهد شد. هر کس که چنین کند عهد خداوند را نقض کرده است و با پیامبر خدا به مخالفت برخاسته است.

نه جزیه و نه غرامت بر رهبانان، اسقفان و عابدان نخواهد بود، زیرا که هرجا باشند من از آنان حمایت خواهم کرد، خواه در زمین باشند یا در دریا، در شرق یا غرب، در شمال و یا در جنوب. آن‌ها تحت حمایت من هستند، برخوردار از عهد و میثاق من بوده و در برابر هر آسیبی از امان من برخوردار خواهند بود.

آن‌هایی که خودشان را در کوهستان‌ها یا اماکن مقدس پنهان می‌کنند نیز از پرداخت جزیه، خراج و عشر یا انجام وظیفه در قبال آنچه برای استفاده خودشان می‌کارند معاف خواهند بود و در کار پرورش غلات به آن‌ها به صورت اختصاص دادن یک قدح (واحد اندازه‌گیری خشکبار) در هر اردب ardabb [= 6 ویبه waiba = 24 ربع] برای

استفاده خودشان کمک خواهد شد.
آن‌ها مجبور نخواهند بود که در جنگ خدمت کرده و یا جزیه بپردازند؛ حتی آن‌هایی هم که باید خراج بپردازند یا آنانی که مالک معادن و یا فعالیت‌های تجاری هستند مجبور نیستند که بیش از 12 درهم به طور سرانه در سال پرداخت کنند.
مالیات ناعادلانه بر هیچ کسی تحمیل نخواهد شد، هیچ عسر و حرجی بر اهل کتاب نخواهد بود، مگر آن که برای آن چه باشد که به صلاح است (سوره 5، آیه 48). ما می‌خواهیم که آن‌ها را زیر چتر حمایت خود داشته باشیم و آزردگی خاطر از آن‌ها دور خواهد بود، هرجا که باشند و در هرجا که بخواهند می‌توانند سکنی گزینند.
اگر یک زن مسیحی بر یک خانواده مسلمان وارد شود، با او به مهربانی برخورد خواهد شد، به او اجازه داده خواهد شد تا در کلیسای خودش عبادت کند؛ هیچ بحثی میان او و مردی که آیین وی را دوست دارد برقرار نخواهد بود. هر کس که از عهد خداوند تخلف نماید و مخالف آن عمل نماید برعلیه عهد و میثاق خداوند و رسولش عمل کرده است.
به اینان در ساختن بناهای دینی و منازلشان کمک خواهد شد؛ از این رو، در دینشان مورد کمک واقع شده و در عهدشان پایدار خواهند ماند.
هیچ‌یک از آنان ملزم به حمل سلاح نخواهند بود و مسلمانان از آنان حمایت خواهند کرد و آنان نیز این میثاق حمایت را تا ابد نقض نخواهند کرد.
شهود و ضامنان این عهدنامه که توسط [حضرت] محمد

بن عبدالله، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با همه مسیحیان نوشته شد و نیز ضامنان اجرای آنچه درج شده است[به قرار زیر است]؛ نام شهود: [حضرت امام] علی بن ابیطالب [علیه السلام]، ابوبکر بن ابی‌قحافه، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، ابوالدرداء، ابی‌هریره، عبدالله بن مسعود، عباس بن عبدالمطلب، حارث بن ثابت، عبدالعظیم بن حسن، فضیل بن عباس، الزبیر بن العوّام، طلحه بن عبدالله، سعد بن معاذ، سعد بن عباده، ثابت بن نفیس، زید بن ثابت، ابوحنیفة بن عبیّة، هاشم بن عبیة، معظم بن قرشی، عبدالله بن عمرو بن عاص، عامر بن یاسین.

این عهدنامه را [حضرت امام] علی بن ابیطالب به خط [مبارک] خود در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم در تاریخ سوم محرم در سال دوم هجرت تحریر فرمودند.

نسخه‌ای از این عهدنامه در خزانه (دفتر) اسناد سلطان نگهداری می‌شود. در ذیل این ورقه مهر پیامبر اسلام موجود است. این عهدنامه بر تکه‌ای از چرم طائفی نوشته شده است.

رحمت بر هر آن که به این عهدنامه متعهد شود و رحمت خداوند بر هر آن که امید به بخشش خداوند دارد.

این نسخه که از اصل آن استنساخ شده است با امضاء سلطان توشیح شده است. این استنساخ بر اساس نسخه‌ای است که خود آن از نسخه‌ای که به خط امیر مومنان [حضرت امام] علی بن ابیطالب علیه السلام بود نسخه-برداری شده است.

بنا بر فرمان سلطان که هنوز هم نافذ است و به کمک خداوند که به جمع راهبانی که در کوه طور سیناء ساکن

هستند، از آنجا که نسخه‌ای که براساس نسخه امیرالمؤمنین استنساخ شده بود، مفقود شده بود و نیز برای این که این سند پشتیبانی احکام سلطان باشد که از حمایت اسناد موجود در جامعه هدف برخوردار می‌باشند، این رونوشتی است بدون دخل و تصرف در متن اصلی. نوشته‌شده بقلم کمترین بندگان خداوند. الباری نوح بن احمد الانصاری، قاضی کشور محروسه مصر از آنان عذرخواهی کرد، با مهر گرد ممهور شد و مورد تأیید قرار گرفت، نوح احمد بن الانصاری (محل امضاء)

تحریر شده توسط فقیر الی الله محمد القاضی (قاضی محمد) از مصر باستانی غفر له.

فصل دوم: معاهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان ایران

با انشاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

[درج شده در کتاب آرپی [Arpee]، 1946، 360- 355]

بسم الله الرحمن الرحیم

این متن باید به همین دستخط و با همین سبک به عنوان عهدنامه‌ای وثیق از سوی همه ملل مسیحی مورد پیروی قرار گیرد به گونه‌ای که نزد مسیحیان از سمت شرق جزیرةالعرب و ایران و در مناطق محسور در این‌ها و یا در تعامل آنان با مؤمنین [مسلمین] باشد، خواه دور باشند و خواه اصلاً آشنایی‌ای با مؤمنین [مسلمین] نداشته باشند. این قرارداد و میثاق را باید اطاعت کرد و همه مسلمانان نیز موظف‌اند تا مفاد آن را رعایت کنند. هر آن که این قرارداد را محترم می‌شمارد، بر ذمه و وظیفه او است که از کلمات این عهدنامه اطاعت کند و ایمانش مانند سایر مردم کامل است و البته چنین شخصی سزاوار پاداش است. اما آنانی که عمداً کلمات این قرارداد را تحریف کرده، آن را نقض کرده یا برخلاف آن عمل می‌کنند و یا از فرامین این قرارداد سرپیچی کرده و بر مسیر خلاف خود هم اصرار می‌ورزند، آنان نقض‌کنندگان پیمان و یا عهد خداوند خواهند بود. همچنین هر کسی که با این مکتوب با بی‌حرمتی رفتار کند نیز سزاوار مجازات خواهد بود، خواه پادشاه باشد یا یکی از مردم عادی، خواه مؤمن متقی (مسلمان) باشد و یا یک مسیحی مؤمن باشد.

اکنون برای آغاز کردن کلمات این معاهده بحول و قوه الهی که این موقعیت را بحق در مورد اینجانب عنایت فرمود، عهد محکمی می‌بندم که هیچ‌یک از پیامبران پیشین چنین نکردند و هیچ‌کدام از فرشتگان مقرب الهی آن را برای فرمان دادن آسان نیافتند. از این رو، [چنین است] کلمات این عهدنامه که پیمانی است که از سوی همه افراد امت من باید مورد اطاعت قرار گیرد.

همه مؤمنان متقی باید این مطلب را وظیفه خود بدانند که از مؤمنان دفاع کرده و به آنان، در هر کجا که باشند، کمک کنند و در سرتاسر قلمرو مسیحیت اماکنی که آنان عبادت خود را در آنجاها انجام می‌دهند و آنانی که در اماکن اقامتی راهبانان و کشیشان هستند را محافظت نمایند. همه جا، در کوهستان‌ها، در دشت‌ها، در شهرها و در جاهای دورافتاده و هر کس که باشند، آنان مورد حمایت خواهند بود، چه به لحاظ دین و آئین‌شان و چه از نظر دارائی-هایشان، هم در غرب و هم در شرق، هم در دریا و هم در خشکی.

و حتی تا جایی که آنان را احترام می‌کنند، مسلمانان نیز باید از آنان بعنوان تحت‌الحمایگان خویش محافظت نمایند و هرگاه که ناراحتی یا مشکلی برایشان رخ دهد، مسلمانان خود را موظف بدانند که به یاری‌شان بشتابند. زیرا که آنان مردمانی تابع امت من بوده و از سخنانشان پیروی کرده و کمک کارشان هستند.

از این رو، برای خاطر من سزاوار است که به راحتی، حفاظت و کمک به آنان، در صورت وجود همه مخالفت‌ها و نگرانی‌ها، توجه شود و سعی در سرکوب هر چیزی باشد

که غارت اموال آنان را در پی داشته باشد. در وضـع کـردن مالیات، لازم است توجه شود کـه بـیش از آنچـه در توانشـان است را نباید بدان‌ها تحمیل کرد، بلکه مسائل را بایـد مطـابق رضـای خاطرشان و بـدون اجبـار یـا خشـونت حـل کـرد. بـه طرح‌های ساختمانی‌شان نباید تعرض بشـود، بـرای کشیشـان آن‌ها در اجرای وظایفشان نباید دردسر ایجاد شود، آنان نباید برای خاطر دین یا رسومشان مورد تعقیب قرار گیرند، بلکه باید آزاد باشند که همانند آنچه در معابدشـان عمـل مـی‌کننـد، عبادات خود را مطابق آئین‌شان بجـای آورنـد، کلیساهایشـان هم نیز نباید مورد صدمه و یا تخریب قرار گیرد و یا این کـه منازل و آسایشگاه‌های آنان توسط مسلمانان مصادره گردنـد، آن هم بدون رضایتشان و برای ساختن مساجد و یـا خانـه‌هـا. هر آن کس که بـرخلاف آنچـه در اینجـا تصـریح شـده اسـت عمل کند، کاری نکرده است جـز خـلاف خواسـته‌هـای مـن، چنین افرادی خوارکنندگان این عهدنامه و منکر کـلام خـدا و رسولش خواهند بود.

هیچ مالیات بر زمـین (خـراج) افـزون بـر ارزش چهـار دینار یا یک طاقـه پارچـه کـه بـرای سـود مسـلمانان بـه کـار گرفته می‌شود و به عنوان دارایی‌ای مقدس بـرای مصـارف عمومی می‌باشد، نباید از آنان ستانده شود. هیچ مبلغ اضـافی بیش از آنچه ما در اینجا درج می‌کنیم نباید به عنوان مالیـات (جزیه) از آنان ستانده شود. آنـان مجبـور نیسـتند کـه مبلغـی اضـافه بـر دوازده درهـم پرداخـت کننـد، خـواه آنـان تـاجر و ثروتمند بوده، خواه در روستاها زندگی کنند، خـواه بـه صـید گوهرهـا در دریاهـا بپردازنـد، یـا دارای معـادن سـنگ‌هـای قیمتی، طلا و یا نقره باشند و یا مسـتغلات ارزشـمند دیگـری

داشته باشند.
از آنـانی کـه مسـیحی نیسـتند و عباداتشـان را بـر طبـق شعائر مسیحی به جای نمی‌آورنـد، فقـط چهـار درهـم سـتانده شــود. امــا از آنــانی کــه از روش و ســلوک آن مردمــان (مسـیحیان) پیـروی کـرده و تـابع سخنانشـان هسـتند، چیـزی بیش از دوازده درهم فوق‌الذکر مطالبه نمی‌شود، مشروط بر آن کـه آن‌هـا در همـان جـایی اقامـت گزیننـد کـه مردمانشـان ساکن هستند. آن‌هایی که مسافرت مـی‌کننـد و چـون اقامتگـاه ثابتی ندارند، پیوسته در حرکت هستند، مشمول خراج نمـی-شوند، مگر در صورتی که یکی از آن‌ها وارث ملکـی شـود که فرمانروای مسلمین (امـام) ادعـایی حقـوقی بـر آن داشـته باشد که در آن صورت مالیات قانونی ستانده خواهد شد و بـا ایـن حـال در صـورت عـدم توانـایی مـالی، پرداخـت کننـده مالیات، قربانی خشونت یـا طلـب غیـر قـانونی نخواهـد بـود. خانه‌ها، محصولات زراعی و میوه‌هـایش در خطـر تعـرض نخواهد بود.
از مسـیحیان هـیچگـاه خواسـته نخواهـد شـد کـه بـه نفـع مسلمانان با دشمنان دین بجنگند و نیز مسلمانانی که در حـال جنگ با کشـورهای متخاصـم بـوده و یـا در معـرض کشـتار هستند نباید مسیحیان را مجبـور کننـد کـه بـه نفـع آنـان جبهـه واحـدی برعلیـه دشـمن تشـکیل بدهنـد. امـا اگـر دشـمن بـه مسیحیان حمله کند، در این صورت مسلمانان نباید از به کار گـرفتن اسـب‌هـا، شمشـیرها و نیـزه‌هایشـان در حمایـت از مسـیحیان خـودداری ورزنـد. بـا چنـین اقـدامی، آن‌هـا عملـی شایسته را انجام خواهند داد.

هیچ‌یک از مسیحیان را نمی‌توان به اجبار وادار به پذیرش اسلام کرد و هیچ بحثی با آنان نباید صورت بگیرد مگر برای بهبود شرایط. مسلمانان در هر کجا که باشند باید دست رأفت و محبت به سوی مسیحیان دراز کرده و از آنان در مقابل زیاده‌خواهی‌های مهاجمان حمایت نمایند. هرگاه شخصی مسیحی به صورت غیر عمد در حال تعرض یافت شود، مسلمانان باید وظیفه خود بدانند که وی را به محکمه ببرند تا بیش از آنچه خداوند مقرر کرده از وی مطالبه نشود و صلح براساس آنچه در قرآن آمده است میان گروه‌های درگیر حاکم شود.

در شرایطی که همه آنچه گفته شد رعایت و اجرا شود و مالیات (جزیه) را پرداخت نمایند، هیچ شخص مسیحی نباید از سوی افراد امت من مورد تعدی و ظلم قرار گیرد و آنان نیز به نوبه خود نباید به مسلمانان ظلم و تعدی ورزند و این قاعده از این زمان تا هر وقتی که خداوند بخواهد معتبر می‌باشد. مسلمانان نباید به زور زنان و دختران را بگیرند، مگر با اجازه بزرگانشان، به جز در حالتی که آنان بخواهند به اختیار خود به همسری دائم و یا موقتِ [یکی از] مسلمانان درآیند و این اجازه به آنان داده می‌شود، آن هم از سر احترام به آزادی انتخاب برای بانوان که با هر کسی که دوست دارند وصلت نمایند. و چنانچه هر یک از زنان مسیحی با مسلمانی ازدواج کند، به وی اجازه داده می‌شود که بر دین مسیحی خود باقی بماند و بدون اجازه و یا مانعی در کلیساهای مسیحیان حضور یابد و می‌تواند بر دین و آئین خود با رضا و رغبت باقی بماند. هیچ محدودیتی نباید در راه ارتباط وی با مشاوران روحانی‌اش [علمای دینی

مسیحی] باشد و نیز به هیچ وجه وی نباید به اجبار و برخلاف خواستش مجبور به ترک دین و قوانین آن گردد. هر کسی که برخلاف مفاد کلمات این عهدنامه عمل کند گویی که به مخالفت با خداوند برخاسته است و از دید پیامبر مرتکب نقض کردن کلمات عهدنامه پیامبر خدا شده است و چنین شخصی نزد خداوند از گناهکاران خواهد بود.

مسیحیان باید در همه موارد تعمیر کلیساها، نمازخانه‌ها و دیرهایشان حضور پیدا کنند. چنانچه جامعه مسلمانان برای خودشان یا مقاصد دینی‌شان از مسیحیان کمک بخواهند، مسیحیان نباید کمک کردن را از آن‌ها دریغ دارند و این تجلی دوستی و همیاری‌ای است که آنان می‌توانند در عمل نشان دهند. با توجه به این که مسیحیان به ما اقبال کرده‌اند، از ما تقاضای مصونیت کرده‌اند و به ما پناه آورده‌اند، ما به هر طریق ممکن و مشروع بدان‌ها کمک خواهیم کرد. در صورتی که یکی از آنان بعنوان نماینده برای مذاکرات صلح میان مسلمانان و کفار اعزام گردد، هیچ کس نباید مانع رفتن وی بدین ماموریت شود و اگر وی به سود راه ما عمل کند، بگذارید که این خدمت‌رسانی مقبول گردد. اما اگر کسی وی را تحقیر کند، آنان در زمره بدکاران خواهند بود، نزد پیامبر خدا گناهکار خواهند بود و دشمن وحی قلمداد خواهند شد.

[آنچه در پی می‌آید قراردادی است میان حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و مسیحیان که آن حضرت پس از قرارداد پیشین با مسیحیان بستند که ناظر است بر دین و قوانین‌شان که متضمن چند فرمان است که به سبب آن مسیحیان خودشان را به آن پایبند بدانند. این عبارات نقیض

کلمات پیشین نبوده و همه چیز مطابق همان است که در پی می‌آید]

یکی از این فرامین این است: این که آنان نباید هیچ‌گونه کمکی به کفار بکنند، خواه علنی و خواه پنهانی، دشمنان مسلمانان را به خانه‌هایشان راه ندهند از ترس این که مبادا در فرصتی مناسب آنان (کفار) به آنان (مسیحیان) حمله کنند. آنان نباید به دشمنان اجازه دهند که در خانه‌ها و یا کلیساهایشان توقف نمایند، اجازه پیاده کردن سربازان را به دشمن ندهند و همچنین به آنان نیزه، شمشیر، اسب و یا چیزهای دیگر ندهند.

آنان (مسیحیان) نباید راهنمای آن‌ها (کفار) بشوند و یا این‌که بدان‌ها تعلیم دهند که چگونه به دشمن شبیخون بزنند. آنان نباید اموالشان را برای حفاظت نزد آن‌ها (کفار) بگذارند. آن‌ها (مسیحیان) نباید با آنان (کفار) مراوده داشته باشند، همچنین نباید با قول و یا فعل به آن‌ها کمک کنند و یا به آن‌ها پناه دهند، مگر تحت شرایط بحرانی.

اگر مسلمانی به خانه شخصی مسیحی وارد شود، می‌تواند به مدت سه شبانه‌روز مورد پذیرایی قرار گیرد، بیش از این مقدار ضرورتی ندارد. مسیحیان نیز باید اهانت و فشارهای ظالمان را از مسلمانان دور سازند. در صورتی که برای آن‌ها (مسیحیان) لازم باشد که مسلمانی را در خانه‌شان مخفی سازند، تا زمانی که وی نیاز به اختفاء داشته باشد، باید به وی جایی برای خوابیدن داده، از وی مراقبت کرده، او را رها نکرده و بدون غذا نگذارند. به زنان و کودکان مسلمان نباید خیانت بشود و یا آنان به دشمن نشان داده بشوند و مسیحیان هم نباید از این فرامین سرپیچی کنند.

و چنانچه هر شخص مسیحی برخلاف این عهدنامه رفتار نموده و یا آن را انکار نماید، هر دو این‌ها در حکم نقضی واحد خواهند بود. چنین فردی نزد خداوند منفور و وی سزای مناسبش را از پیامبر خدا دریافت خواهد کرد.

از این رو شایسته است که همه مسیحیان رعایت کردن کلمات این عهدنامه را تا هر زمانی که خداوند بخواهد شایسته و الزام‌آور بدانند.

امضاء شاهدان از رجال حاضر کلیسا و بزرگان اقوام و مهر تأیید پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ذیلاً موجود است. این عهدنامه در روز دوشنبه، پس از چهار ماه اول سال چهارم هجری منعقد شد.

فصل سوم: معاهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان نجران

[ترجمه انگلیسی توسط جان اندرو مارو در 2013]

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

عهدنامه حمایتی اعطاشده از سوی خداوند و رسولش به مردمان اهل کتاب، یعنی مسیحیان که اهل منطقه نجران هستند و یا مسیحیان هر فرقه دیگر.

این عهدنامه توسط [حضرت] محمّد [صلی الله علیه و آله و سلم] پیامبر خداوند برای همه انسان‌ها، به عنوان ضمانت حمایت از سوی خداوند و رسولش نوشته شده و برای همه مسلمانان پس از وی الزام‌آور است و آنان باید از آن آگاه باشند، آن را معتبر دانسته، بدان اعتقاد داشته و آن را برای خودشان صیانت نمایند.

حرام است که هر شخصی، خواه حاکم باشد و یا هر مسئولیتی داشته باشد، آن را نقض کند و یا خلاف آن عملی را انجام دهد.

مؤمنان نباید شروط دیگری افزون بر آنچه در این سند می‌آید را به آنان [مسیحیان] تحمیل کنند.

هر کسی که این معاهده را حفظ کرده، آن را محترم شمرده و به مفاد آن عمل کند، وظایف خود را انجام داده و به عهد رسول خدا عمل نموده است. اما هر کس که آن را نقض کرده، با آن مخالفت ورزیده و یا آن را تغییر دهد، سنگینی جرم خود را بر عهده داشته، زیرا که به عهد خداوند خیانت ورزیده، ایمانش را خدشه‌دار کرده، در مقابل

خداوند عصیان ورزیده و با خواسته پیامبرش به مخالفت برخاسته است، چنین شخصی نزد خداوند از دروغگویان خواهد بود، زیرا که در دین خداوند صیانت کردن [از عهد] و پیمانِ مورد اتفاق واجب است. کسی که به این عهدنامه عمل نکند، به وظایف دینی‌اش عمل نکرده است و کسی که به وظایف دینی‌اش عمل نکرده، بی‌ایمان بوده و از سوی خدا و همه مؤمنان راستین طرد خواهد شد.

دلیل این‌که چرا مسیحیان شایسته این عهدنامه شده‌اند که صیانتی از جانب خداوند، رسولش و مؤمنان می‌باشد به سبب حقی است که بدست آورده‌اند که به موجب آن هر مسلمانی به آن پایبند است که این عهدنامه به نفع امت این دین می‌باشد، و هر مسلمانی را موظف می‌دارد که آن را محترم شمرده، از آن دفاع کرده، بدان پایبند بوده، همواره آن را صیانت کرده و با آن زندگی کند.

البته مردمانی که پیرو ادیان و کتب آسمانی قدیمی بودند نسبت به خداوند و رسولش دشمنی ورزیده و با انکار رسالت پیامبر که خداوند متعال در کتابش آن را آشکار ساخته با او به دشمنی برخاسته‌اند. این مطلب از عدم خلوص دینشان، کژاندیشی‌شان و قساوت قلبشان حکایت می‌کند. آنان خود سنگینی این گناه را تحمل کردند در حالی که آنچه را که خداوند بر آن تأکید می‌ورزد را پنهان داشته‌اند و این کار را با بیان کردن آن به جای پنهان کردن و اعلان کردن به جای پنهان کردن انجام داده‌اند.

این مردمان برخلاف وظیفه‌ای که بر عهده‌شان نهاده شده بود عمل کردند، حق آن را آنگونه که باید به جای نیاورده، از راه‌هایی که به روشنی مشخص شده بود نرفته،

اتفاق کردند که تنها دشمنی خود را به خداوند و رسولش نشان داده، به آن‌ها تعدی کرده، با توسل به دروغ و ادله واهی مردم را اغوا کرده به این صورت که خداوند نمی-توانسته وی را به سوی مردم بفرستد تا مردم را با اسلام آوردن به سوی خداوند دعوت نماید، برایشان نور پرفروغ باشد و بهشت را به آنانی که از وی اطاعت می‌کنند و آتش را برای آنانی که از وی رویگردانی می‌کنند وعده دهد.

آنان بوسیله تحریک کردن دیگران به ارتکاب کارهایی که خود جرأت انجام آنها را نداشتند مرزهای دشمنی را درنوردیدند تا وحی او را منکر شوند، رسالت او را انکار نمایند و با شیادی کاری کنند که او در گرداب مشکلات گرفتار شود.

آن‌ها پیامبر خدا را مورد هدف قرار دادند و در پی قتل او برآمدند. آن‌ها گروه مشرکان قبیله قریش و دیگران را تقویت کردند تا با او جنگیده، با اعتقاداتش مقابله کرده، وی را وادار به عقب‌نشینی کرده و سخنانش را نقض نمایند.

به همین دلیل آنان سزاوار محرومیت از کمک و حمایت خداوند بودند. رفتار آنان در طی روزهای جنگ حنین، جنگ‌های در مقابل بنی‌قُینقاع، قبیله قریظه و نضیر معروف است. رؤسای آنان با ارسال سربازان و اسلحه به ساکنان مکه که دشمنان خداوند بودند، برعلیه پیامبر خداوند و از روی نفرت نسبت به مؤمنان، به آن دشمنان کمک رساندند.

از سوی دیگر، مسیحیان از ایجاد جنگ برعلیه خداوند و رسولش امتناع ورزیدند. بعلاوه، خداوند نیز تمایل آنان نسبت به پیروان این دین [اسلام] را اعلان کرده و فرموده که علاقه‌شان نسبت به مسلمانان صادقانه است.

از میان دیگر کلمات حاکی از قدردانی که خداوند در کتابش [قرآن کریم] درباره آنان فرموده است این که پس از بیان سنگدل بودن یهودیان، خداوند تمایل و عاطفه آنان نسبت به مؤمنان را بدین صورت بیان می‌دارد:

«همانا یهود و مشرکان را دشمن‌ترین مردم نسبت به اهل ایمان خواهی یافت؛ و کسانی را که گویند: «ما نصرانی هستیم» نزدیکترین دوستان اهل ایمان (مسلمانان) خواهی یافت. این دوستی نصارا نسبت به مسلمین به این سبب است که برخی از آن‌ها دانشمند و پارسا هستند و آن‌ها (بر حکم خداوند) تکبر نمی‌کنند. و چون آیاتی را که به رسول فرستاده شده بشنوند، اشک از دیده آن‌ها جاری می‌شود؛ زیرا حقانیت آن را شناخته‌اند؛ می‌گویند: «بارالها! ما ایمان آوردیم؛ پس ما را در زمره گواهان او بنویس.» و گویند: «چرا ما به خدا و کتاب حق ایمان نیاوریم؟ در صورتی که امیدواریم خداوند ما را در زمره صالحان داخل گرداند.» (سوره مبارکه مائده [5] : 84- 82)

در حقیقت، برخی از مسیحیان که شایسته اعتماد بوده و وحی الهی را می‌شناختند به یاری ما شتافته تا این دین را تبلیغ کرده، با تبلیغ کردن بر حسب خواست خداوند و کمک به پیامبر برای ابلاغ رسالتش به یاری کردن خداوند و رسولش برخاستند.

عبدیشوع، ابن حجره، ابراهیم راهب و عیسی اسقف همراه با چهل تن از اسب سواران از نجران همراه با آنانی که همانند آنان، در بلاد جزیرةالعرب و دیگر سرزمین‌ها به دین مسیحیت اعتقاد داشتند به نزد من آمدند. من آنان را از رسالت خود آگاه کردم و از آنان دعوت کردم که آن را

مورد حمایت قرار داده، آن را اظهار کرده و به آن کمک نمایند.

و از آنجا که راه خدا برایشان آشکار شده، آن‌ها به آئین پیشینیان خود برنگشته و روی برنگرداندند. به‌عکس، آنان نزدیکتر شده و ثابت قدم باقی ماندند، موافقت نشان داده، کمک کردند، تصدیق کردند، قول‌های نیکو دادند، مشورت‌های خوبی دادند و با قسم‌ها و عهدهایشان به من اطمینان خاطر دادند که از [دین] حقی که آورده‌ام حمایت کرده و آنانی را که سر باز می‌زنند و با آن به مخالفت برمی‌خیزند، طرد نمایند.

پس از آن‌که آنان به هم‌کیشانشان پیوستند، عهد خود را نقض نکرده و عقیده‌شان را هم تغییر ندادند. به‌عکس، آن‌ها به آنچه به من هنگام ترک کردن قول داده بودند درنگریستند و من با خوشوقتی دانستم که آن‌ها نیک‌نظری خود را اثبات کردند، متحد شدند تا برعلیه یهودیان بجنگند و این که با اهل دعوت [به حق] به تفاهم رسیدند که راه خدا را تبلیغ کرده، از آن پشتیبانی کرده، رسولش را مورد حمایت قرار داده و این که آنان شواهدی را که یهودیان بر آنان تکیه می‌کردند تا رسالت و کلام مرا انکار و مخفی بدارند، افشا نمودند. مسیحیان در پی حمایت از فعالیت من بودند و برعلیه آنانی که از عقیده من نفرت داشتند و می‌خواستند آن را رد کرده، تغییر داده و سرنگون کنند، جنگ کردند.

همه رؤسای عرب، همه مسلمانان برجسته و همه اهل دعوت به حق از همه جای جهان به من نامه‌هایی نوشته و در آن از شیفتگی مسیحیان به راه من، همت آنان نسبت به عقب راندن شبیخون‌هایی که در امتداد مرزهای دژبندی‌شده

منطقه‌شان صورت می‌گرفت و تصمیم آن‌ها برای اجرای معاهده‌ای که آنان با من هنگام دیدار بسته بودند خبر دادند. زیرا که به واقع اسقف‌ها و رهبانان وفاداری خدشه‌ناپذیری در تعلق خاطرشان نسبت به راه من را بیان کرده و ابراز مودت افرادشان برای تحکیم و حمایت از گسترش رسالت من بود.

من دوست دارم که رسالتم گسترش یابد. از آن‌ها (مسیحیان) می‌خواهم که برای حمایت از این هدف و در برابر آنانی که می‌خواهند آن را نابود و یا تخریب نمایند، با متهم کردن و یا تحقیر کردنشان، در مقابل آن‌ها متحد شوند.

آنان (مسیحیان) بر طبق دستوراتم عمل کرده و آنان را تحقیر کردند. آنان آن‌چنان مجدانه عمل کردند تا آن‌ها را وادار به اعتراف به حقیقت و پذیرش آن کرده، که خواه به اختیار و یا اجبار به ندای دعوت خداوند پاسخ داده و اجازه دادند که به عنوان اقوامی که فتح شدند به درون جهان اسلام داخل شوند. مسیحیان بر طبق عهدنامه‌هایی که میان من و آنان منعقد شده بود به این روش عمل کردند تا از تعهداتی که خودشان را در طی ملاقاتشان با من ملزم ساختند کوتاهی نورزیده و از راه حس کمک به راهم و کمک به شناخته‌شدن رسالتم غفلت نکنند.

آنان (مسیحیان) در مودت صمیمانه‌شان از یهودیان، قریشیان و دیگر مشرکان متفاوت بودند. آن‌ها نسبت به دستاوردهای دنیوی‌ای که یهودیان به وسیله رباخواری در پی کسب آن بودند، یعنی بدست آوردن پول و فروختن قانون خداوند به ثمنی بخس علاقه‌ای نشان نمی‌دادند. بدا به حال آنانی که برای چنین دستاوردی کار می‌کنند. بدا به حال آن-

ها برای آنچه می‌نویسند و بدا به حالشان برای آنچه آنـان بـه این شکل بدست می‌آورند.
بدین سان، یهودیان و مشرکان قریش بـه همـراه دیگـران به سبب برنامه‌های خیانتکارانه‌شان، دشمنی‌شان، نقشه‌هایی که (علیه مـن) کشـیدند جنـگ متنـاوب و سـختی کـه آنـان در حمایت از دشمنانم تحمیل کردند سـزاوار ایـن هسـتند کـه بـه عنوان دشمنان خدا و رسولش قلمداد شوند. از این رو، آن‌هـا دشمنان خدا، پیامبرش و مؤمنان صـالح شده‌اند.
از سوی دیگر، مسیحیان برعکس آنان رفتار کردند. آن-ها به پیمان من احتـرام گزاردنـد. آن‌هـا حقـوق مـرا رعایـت کردند. آن‌ها به قـول‌هـایی کـه در ملاقـات‌هایمـان داده بودنـد عمـل کردنـد. آن‌هـا بـه فرمانـدهان نظـامی‌ای کـه مـن بـه سرحدات فرستاده بودم کمک کردند. آن‌ها با عمل کـردن بـه تعهداتی که به یکباره به نام همه مسلمانان از شرق گرفته تـا غرب با آنان بسته بودم عمل کردنـد. نظـر و علاقـه مـرا بـه خـود جلـب کـرده، از حمایـت مـن در طـول حیـاتم و پـس از مـرگم کـه بـه امـر خـدا قـبض روح خـواهم شـد، برخـوردار خواهند بود. تـا زمـانی کـه اسـلام گسـترش خواهـد داشـت و رسـالت و دیـنم رشـد خواهـد کـرد، ایـن معاهـده بـرای همـه مؤمنان و مسلمانان الزامی خواهد بود، تـا زمـانی کـه آب بـه اقیانوس‌ها می‌ریزد، باران از آسمان می‌بارد، زمـین گیاهـان را می‌رویاند، ستارگان در آسمان‌ها می‌درخشند، و تا زمـانی که فجر بر مسافران طالع می‌شود، هیچ کس اجازه ندارد کـه این معاهده را نقض کرده، آن را تغییـر داده و چیـزی بـه آن اضافه و یا از آن کم کند. زیرا چنین اضـافاتی عهدنامـه مـرا نقض کرده و اجبارها حمایتم را تضعیف خواهند کرد.

این معاهده که خودم به آن پایبند هستم، مرا هم ملزم می‌سازد. پس از من، هر کسی از امت من که این عهد خداوند عزوجل را بشکند، حجت خدا برعلیه وی خواهد بود و خداوند به عنوان شاهد کفایت می‌کند.

آنچه مرا بر آن می‌دارد که این‌گونه عمل کنم این است که سه نفر (از مردم سید غسانی) از من سندی خواستند که به عنوان ضمانت باشد، قرار دادی که بر وفاداری‌شان نسبت به قول‌هایی که به مسلمانان داده بودند صحه گذارد و عهدی باشد که من به دلخواه با آن‌ها امضاء کنم.

من تقاضا کردم که جزئیات این پیمان در برابر دیدگان هر کسی که در همه مناطق عربی به راه من ادامه می‌دهد تأیید شود و این که من و پیروانم از هرگونه مسئولیت در قبال آنانی که خود را مسیحی معرفی می‌کنند و از فرقه‌های گوناگون مسیحی پیروی می‌کنند آزاد باشیم و این که این قرارداد برای همه مسلمانان و مؤمنان نقض‌ناشدنی، محکم و واجب است.

از این رو، من رهبران مسلمانان و اصحاب عمده‌ام را فراخواندم و با وکالت از جانب مسیحیان، سند حاضر را تهیه کردم که مسلمانان، خواه قدرت داشته باشند و یا نداشته باشند، ملزم هستند که از نسلی به نسل دیگر، فرامین مرا اجرا کرده تا بر تعهدات وفاداری باقی مانده و آنانی که این عهدنامه را از من خواسته‌اند را احترم نموده، و نسبت به تعهداتی که من در این قرارداد آورده‌ام وفادار مانده تا به خاطر سرپیچی از دستور من مواخذه نشوند.

مردم نیز باید از آزار رساندن به آنان خودداری کنند و به عهدی که با آنان بسته‌ام عمل نمایند تا آنان هم بتوانند

همراه با من از دروازه‌های ایمان داخل شده و در همان خیر و صلاحی سهم داشته باشند که من برای آنانی خواسته‌ام کـه آن را به سبب حمایت از رسالتم کسب کرده و سبب ناراحتی منکران و شکاکان شده‌اند.

این امر به این منظور است که هیچ سندی برای آنـانی که مورد توجه این معاهده هستند در مقابل طرفداران اسـلام وجود نداشته باشد و این در حـالتی است کـه آن‌هـا بخواهنـد برخلاف مفاد این سند عمل کرده و نسبت بـه حقوقی کـه بـه دلایل شایستگی‌شان از من کسب کرده بودند غفلت ورزند.

در پایان، این عهدنامه مؤمنان را یادآور مـی‌شود کـه بـا یکدیگر مهربان بـوده، یکدیگر را بـه کارهـای خیـر تشـویق نموده، اقدامات خیریه را مورد تأکید قرار داده، مـردم را از کارهای شر باز داشته، رهرو راه صداقت بـوده و ایـن امـر ان شاءالله راهی است که به عدالت رهنمون خواهد شد.

معاهده پیامبر با مسیحیان نجران

بسم الله الرحمن الرحیم

ایـن سـندی اسـت از سـوی محمـد بـن عبـدالله بـن عبدالمطلب، رسول خدا بسوی همه انسانها که بـرای تبلیـغ و انذار مبعوث شده و از سوی خداوند بـه عنـوان امـین بسـوی خلقش برانگیختـه شـده اسـت تـا آدمیـان پس از پیـامبران و معجزاتشـان عـذری در برابـر خداونـد قـادر و عـالم نداشـته باشند.

این معاهـده‌ای اسـت بـا سید بـن حـارث بـن کعـب، هـم-کیشانش و همه آنانی که به دین مسیحیت اقرار دارنـد، خـواه در مشرق باشـند و یـا در مغـرب، در منـاطق نزدیـک و یـا دور، عرب باشند یا غیر عرب، معروف باشند و یا گمنام.

این سندی که آماده شده است دربردارنده قراردادی متین، و میثاقی اصیل بوده که بر پایه پیمان و عدالت استوار بوده و عهدی غیر قابل نقض می‌باشد.

هر کسی که از این فرمان تبعیت کند، وفاداریش به اسلام را نشان داده و شایسته بهترین‌هایی است که اسلام عطا می‌کند. به عکس، هر شخصی که آن را نابود کرده، پیمانی که متضمن آن است را شکسته، آن را تغییر داده و از دستوراتم سرپیچی کند، چنین شخصی پیمان خداوند را شکسته، از حدود عهدش تجاوز کرده و پیمانش را خوار شمرده است. چنین شخصی سزاوار عذاب وی می‌باشد، خواه شخصی مقتدر و یا عادی باشد.

من خودم را متعهد به پیمانی می‌دانم و از سوی خداوند با آنان عهد می‌بندم و آنان را تحت حمایت پیامبرانش، برگزیدگانش، مقدسینش، مسلمین و مؤمنینش قرار می‌دهم از اولین تا آخرینشان. عهد و پیمان من با آنان بدین گونه است.

یکبار دیگر تعهداتی را که خداوند بر بنی‌اسرائیل قرار داد تا از وی اطاعت کنند را مورد تأکید قرار می‌دهم تا از شریعت وی پیروی کرده و پیمان الهی‌اش را محترم بشمارند. در اینجا اعلان می‌کنم که سواره‌نظام من، پیاده-نظام من، لشکرهایم، منابعم و هواداران مسلمانم در هر کجا که باشند، خواه ساکن مناطقی باشند که مرزهای امپراطوریم را تشکیل می‌دهند، در هر منطقه‌ای که باشند، دور یا نزدیک، در زمان صلح و یا در زمان جنگ از مسیحیان حمایت خواهند کرد.

من خودم را متعهد به حمایت از آنان می‌دانم تا افرادشان و نیز کلیساها، نمازخانه‌ها، اماکن سخنرانی، دیرهای رهبانان و عزلتگاه‌هایشان را هر کجا که باشند، خواه در کوهستان‌ها و یا در دره‌ها، در غارها و یا در مناطق مسکونی، در دشت‌ها و یا در بیابان‌ها، مورد حمایت قرار دهم.

من از دین و کلیسایشان هر کجا که باشند حمایت خواهم کرد، خواه در خشکی باشند یا در دریا، در شرق یا غرب. و با شدت از سوی خودم از مردمان خاص خودم و از مسلمانان به صورت کل حمایت خواهم کرد.

من آن‌ها را مورد حمایت خودم قرار می‌دهم، با آنان عهد و پیمان می‌بندم، خودم را متعهد می‌دانم که از آنان در مقابل هر آسیب و لطمه‌ای حمایت کنم، تا آنان را از هرگونه اجبار یا هرگونه وظایف مشقت‌بار معاف داشته و خودم به توسط یارانم، پیروانم و امتم از آنان در مقابل هر دشمنی که مرا و آنان را تهدید می‌کند محافظت نمایم.

با داشتن اختیار بر آن‌ها، من باید آن‌ها را مدیریت کرده، آن‌ها را از همه آسیب‌ها محافظت کرده و با اطمینان خاطر از این که چیزی برایشان اتفاق نخواهد افتاد که برای من و اصحابم که به همراه من از راه اسلام دفاع می‌کنند نیز اتفاق نخواهد افتاد.

من فاتحان مسلمان را از حکمرانی بر آن‌ها در طی حملاتشان و یا مجبور کردن آن‌ها به پرداخت مالیات‌ها نهی می‌کنم، مگر آن که آن‌ها خودشان رضایت داشته باشند. هرگز هیچ شخص مسیحی نباید در این خصوص مورد ظلم و جور قرار گیرد.

مجاز نیست که اسقفی را از منصب اسقفی‌اش، راهبی را از زندگی رهبانی‌اش، یا عزلت‌نشینی را از صنفش بعنوان یک شخص عزلت‌نشین اخراج کرد. همچنین مجاز نیست که هیچ بخشی از کلیساهایشان را تخریب کرد، یا بخشی از ساختمان‌هایشان را برای ساختن مساجد و یا منازل مسلمانان تصرف کرد. هر کس که چنین کند، عهد خداوند را نقض کرده، از فرمان پیامبرش سرپیچی کرده و از پیمان خداوند خارج شده بوده باشد.

مجاز نیست که مالیاتی سرانه (جزیه) یا هرگونه مالیاتی بر رهبانان و یا اسقفان و یا بر هر کدام از آنانی که از روی اخلاص لباس‌های پشمینه پوشیده و یا به تنهایی در کوهستان‌ها و یا در مناطق خالی از سکنه انسانی زندگی می‌کنند، تحمیل شود.

لازم است که حد مجموعاً چهار درهم در سال برای پرداخت توسط مسیحیانی که روحانی، راهب و یا عزلت-نشین نیستند، وضع گردد. در غیر این صورت، مقرر می-گردد تا آنان یک لباس بافته‌شده یا یک دستار گلدوزی‌شده یمنی را بدهند. این برای کمک به مسلمانان و مشارکت در رشد بیت‌المال می‌باشد. اگر پارچه برای آنان دشوار باشد، در صورتی که خودشان با رضایت قبول کنند، باید بهای آن را بپردازند.

مقرر می‌گردد که مالیات سرانه مسیحیانی که درآمد دارند، کسانی که زمین‌دار بوده، کسانی که تجارت عمده از راه خشکی یا دریا دارند، آنانی که به استخراج سنگ‌های قیمتی، طلا و نقره از معادن اشتغال داشته و آن‌هایی که ثروتمند هستند به طور کلی از دوازده درهم در سال تجاوز

نکند، آن هم تا مادامی که آن‌ها ساکنین این کشورها بوده و در آنجا ساکن هستند.

چیزی مشابه آن [مطالبی که در بالا گفته شد] نباید از مسافران، از آن‌هایی که ساکن کشورها نیستند یا مسافرانی که محل اقامتشان ناشناخته است، مطالبه گردد.

غیر از آنانی که زمین‌دار هستند، همانند صاحبان دیگر اموال به ارث رسیده که حاکم بر آن‌ها حقی دارند، بر دیگران هیچ خراج و جزیه‌ای نیست. آن‌ها همان مالیات‌هایی را خواهند پرداخت که دیگران که اموالی ندارند می‌پردازند، اما بدون هزینه‌هایی که به طور غیر عادلانه از میزان اموالشان فراتر رود. اما در خصوص نیروی کاری که مالکان برای کشت کردن این زمین‌ها، برای بارور کردن و درو کردن آن‌ها استفاده می‌کنند، از این‌ها نباید مالیات اضافه‌ای دریافت شود. بگذارید آن‌ها هم به همان شکلی که برای دیگر خراج‌گزاران مقرر شده است مالیات بپردازند.

مردانی که به پیمان‌نامه ما تعلق دارند مجبور نخواهند بود به همراه مسلمانان و برای نبرد با دشمنان آن‌ها به جنگ رفته، با آن‌ها جنگیده، به آن‌ها حمله کرده و آن‌ها را دستگیر کنند. در واقع، اعضاء این پیمان‌نامه در جنگ درگیر نخواهند شد. این فقط برای برداشتن این الزام از سر آن‌ها است که این عهدنامه برای اطمینان بخشیدن به آن‌ها در خصوص کمک و حمایت مسلمانان از آن‌ها بدیشان هدیه می‌شود. هیچ شخص مسیحی مجبور نخواهد بود که برای مسلمانی تجهیزات، پول، اسلحه یا اسب را در صورت بروز نبردی که در آن مسلمانان به دشمنانشان حمله می-

کننـد، فـراهم آورد، مگـر آن کـه آنـان (مسـیحیان) خودشـان آزادانه به این راه کمـک کننـد. هـر کـس (از مسـیحیان) کـه چنین کند و فوراً کمک نماید، شایسته تحسین، تقدیر و تشـکر بوده و کمک وی هرگز فراموش نخواهد شد.

هیچ شخص مسیحی را نمی‌توان به اجبار مسلمان کـرد. و با اهل کتاب جدال مکنید مگر به روشی بهتر (قرآن کریم، سوره عنکبـوت [29] : 46). آن‌هـا بایـد زیـر سـایه رحمـت باشند. هرگونه ضرری که از هر جا به آن‌ها خواهد رسـید و در هر کشوری که باشند را دفع کنید.

در صـورتی که شخصـی مسـیحی بـه عملـی دسـت بزنـد، مسلمانان باید به کمک، دفاع و حمایت از او برخاسته، و در صـورت امکـان از جـرم او درگذرنـد. مجنـی علیـه وی را راضی به رضایت دادن کرده و بخواهند که وی را بخشـوده و یا غرامت را در عوض دریافت نماید.

مسلمانان نباید مسیحیان را رها کرده، تنها گذاشـته و آن-ها را بدون دفاع و کمک رها نمایند زیـرا مـن ایـن عهدنامـه را از سوی خداوند با آنان بسته تا آن‌ها را اطمینـان دهـم کـه هر خیری که برای مسلمانان رخ دهد برای آنان نیـز خواهـد بود و هر ضرری که متوجه مسلمانان شود متوجه آنـان نیـز خواهد شد. به موجب این عهدنامـه، آن‌هـا از حقـوق خدشـه-ناپذیر بهره‌منـدی از حمایـت مـا برخـوردار شـده، در مقابـل هرگونه لطمه به حقوقشان مورد حمایت ما قرار گرفته‌اند تـا همواره در شادی و حزن همراه مسلمانان باشند.

مسیحیان نباید از روی اجبار وادار به ازدواج‌هایی شوند کـه بـه آن‌هـا بـی‌رغبتنـد. مسـلمانان نبایـد بـرخلاف خواسـته والدین دختران مسیحی آن‌ها را به همسـری برگزیننـد و نیـز

آن‌ها (مسلمانان) نباید خانواده‌هایشان را در صورتی که از عقد ازدواج سر باز می‌زنند وادار به این کار کنند. چنین ازدواج‌هایی نباید بدون تمایل و موافقتشان و بدون تأیید و رضایتشان صورت پذیرد.

اگر مسلمانی با زنی مسیحی ازدواج کرده، باید به عقاید مسیحی وی احترام بگذارد. او (شوهر مسلمان) به وی آزادی بدهد تا بر حسب تمایلش به سخنان بزرگان دینی‌اش گوش داده و از راه دین خود پیروی نماید. هر کسی که برخلاف این دستور همسرش را مجبور کند که به هر نحوی برخلاف دینش عمل نماید، عهد خداوند را شکسته و به جنگ با عهد رسولش برخاسته و خداوند وی را از شیادان قرار خواهد داد.

اگر مسیحیان بسوی تو آمده، در حالی که برای تعمیر کردن کلیساها و صومعه‌هایشان و یا برای آنچه به امور و دینشان مربوط می‌شود از مسلمانان کمک بخواهند، آن‌ها باید به آن‌ها کمک کنند. اما آن‌ها (مسلمانان) نباید این کار را به هدف دریافت اجر انجام دهند. به‌عکس، آن‌ها (مسلمانان) باید این کار را با هدف حمایت از دین، از روی صداقت نسبت به عهدنامه پیامبر خدا، با کمک خالصانه و به عنوان عملی ارزشمند نزد خداوند و پیامبرش انجام دهند.

در مورد جنگ میان آنان و دشمنانشان، مسلمانان نباید از هیچ شخص مسیحی به عنوان پیک، دیده‌ور، راهنما، جاسوس و یا وظیفه دیگری در جنگ استفاده کنند. هر کسی که آنان را مجبور کند که چنین کنند، حق خداوند را نقض کرده، معاند برعلیه رسولش بوده و خود را از پیمانش (پیمان خداوند) خارج کرده است. هیچ چیزی برای مسدلمان

(در رابطـه بـا مسـیحیان) خـارج از اطاعـت کـردن از ایـن فـرامین کـه محمـد بـن عبـدالله، پیـامبر خداونـد، بـرای دیـن مسیحیان وضع کرده است، جایز نیست.

او (خداوند) نیز شروطی را برای مسیحیان قرار می‌دهد و من مقرر می‌دارم که آن‌ها باید متعهد شوند که ایـن شـروط را به عنوان دستورات دینشان رعایت کرده که هـیچ‌کدام از آن‌ها به عنوان دیده‌ور، جاسوس، خواه علنی و خواه مخفـی، به نفع دشمن و برعلیه مسلمانان عمل نکنند. هیچ‌کدام از آن‌ها نباید دشمنان مسلمانان را که مترصد فرصتی برای حملـه به مسلمانان هستند، در خانه‌شان پناه دهند. هـیچ‌کدام از ایـن دشمنان مسلمانان حق تردد در مناطق‌شـان را ندارنـد، خـواه در روستاهایشان، نمازخانه‌هایشان و یا هر مکان دیگری که به هم‌کیشانشان تعلق داشته باشد. آن‌ها نباید هیچ‌گونه حمایتی از دشمنان جنگ برعلیه مسلمانان را به شکل ارائـه اسـلحه، اسب‌ها، نفرات و یا هر چیز دیگری و یا خوشرفتاری کردن بـا آن‌هـا، در اختیـار دشـمنان قـرار دهنـد. آن‌هـا بایـد هـر مسلمانی را که در میانشان تردد می‌کند سه شبانه‌روز همراه با احشام آن‌ها پذیرایی نمایند. آن‌ها باید برایشان در هـر کجـا که باشند و به هر کجـا کـه مـی‌رونـد همـان غـذایی کـه خـود مصرف می‌کنند را تدارک ببینند، بدون این‌که مجبـور باشـند که زحمت و یا کار طاقت‌فرسای دیگری را تحمل نمایند.

چنانچه مسلمانی نیاز داشت تا در خانه‌ها و یا نمازخانـه‌هایشان مخفی شود، آن‌ها باید از وی پـذیرایی کـرده، بـه وی کمک کرده، در تمام مدتی که وی در میان آن‌ها است به وی غذا دهند و همه‌گونه تلاش کرده تا وی را مخفی نگـه داشـته و در حالی که همه نیازهای او را بـرآورده مـی‌سـازند، باید

مانع از این شوند که دشمن وی را بیابد.

هر آن که برخلاف مفاد این فرمان عمل کرده یا آن را تغییر دهد از پیمان میان خدا و رسولش خارج شده بوده باشد.

امید است که همه به معاهده‌ها و پیمان‌نامه‌هایی که با رهبانان بسته شده است و خودم آن را منعقد کرده‌ام پایبند بوده و چنین بوده هر عهدی که هر پیامبری با امت خود بسته تا آن‌ها را از حمایت و صیانت راستین اطمینان خاطر داده و به عنوان ضامنشان عمل نماید.

این عهدنامه تا روز قیامت نباید نقض شده و یا تغییر یابد، انشاءالله.

این سند که توسط محمد بن عبدالله تنظیم شده، حاوی عهدنامه‌ای بوده که وی با مسیحیان منعقد کرده و دارای شروطی برای مسیحیان بوده و از سوی شهود ذیل گواهی می‌شود: عتیق [ابوبکر] ابن ابی‌قحافه، عمر بن الخطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابیطالب، ابوذر، ابودرداء، ابوهریره، عبدالله بن مسعود، عباس بن عبدالمطلب، فضل بن العباس، زبیر بن عوام، طلحه بن عبدالله، سعد بن معاذ، سعد بن عبادة، ثمامة بن قیس، زید بن ثابت و فرزندش عبدالله، حرقوص بن زهیر، زید بن ارقم، اسامة بن زید، عمر بن مظعون عمار، مصعب بن زبیر بن جبیر، ابولغالیة، عبدالله بن عمرو بن العاص، ابوحذیفة، کعب بن مالک، حسان بن ثابت، جعفر بن ابیطالب، [این متن به کتابت معاویة بن ابی‌سفیان است.]

فصل چهارم: عهدنامه حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان جهان

بر اساس مخطوطه کوه کرمل

بسم الله الرحمن الرحیم

این عهدنامه توسط محمّد رسول الله بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده برای همه انسان‌هاست و این که محمّد به حق ذخیره و ودیعه خداوند بوده و حجت خداوند برای آئین مسیحیت در شرق و غرب، برای عرب‌ها و غیر عرب‌ها، چه نزدیک و یا دور و شناخته‌شده و ناشناخته می‌باشد.

این سند که برای آنان تنظیم شده است دربردارنده عهدنامه‌ای معتبر و سندی محکم و سفارشی از سوی او است که باید مورد احترام و توجه بوده که آنان را مورد محافظت قرار می‌دهد.

هر کسی که به اسلام اعتقاد دارد به آن [این عهدنامه] عمل کرده و هر کسی که عهد مندرج در این نامه را بشکند و در میان غیر مسلمین برخلاف آن رفتار کند و ناقض آن باشد که به آن فرمان داده‌ام، وی عهد خداوند را نقض کرده، میثاق خداوند را انکار کرده و حمایت (ذمه) را پست شمرده باشد، خواه در میان مؤمنان و مسلمانان سلطان باشد یا شخصی دیگر.

من خود را متعهد به دادن عهدها و میثاق‌ها به آنانی می‌دانم که آن را از میان مسلمین از من و خاندانم طلب کرده‌اند تا عهد و میثاق خداوند را به آنان عطا کنم و من آنان را تحت حمایت انبیاء، رسولان، برگزیدگان، اولیاء او (خداوند) از اولین و آخرین‌شان قرار می‌دهم. و حمایت و

میثاق من استوارترین میثاقی است که خداوند به پیامبر و یا ملک مقربی عطا کرده است و آن حق طلب اطاعت است که امری واجب بوده و احترام گذاردن به عهد خداوند می‌باشد.

این که من قضات آنها را در درون محدوده‌های مرزهایم به کمک اسب‌ها، مردان، یاوران و پیروانم از میان مؤمنان از هر منطقه‌ای از مناطق دشمن باشند مورد حمایت قرار می‌دهم، خواه دور باشند و خواه نزدیک، خواه در جنگ باشند و خواه در صلح، من از آن‌ها محافظت می‌نمایم. من به کلیساهای آن‌ها ضمانت حمایت داده و به اماکن زیارتی‌شان نیز در هر کجا که باشند و در هر کجا که یافت بشوند، خواه در کوه‌ها باشند و خواه در دره‌ها، خواه در غارها باشند و یا در مناطق مسکونی، در دشت‌ها باشند و یا در بیابان‌ها و یا در ساختمان‌ها ضمانت حمایت می‌دهم و این که من از دین و اموالشان هر کجا که بوده و ممکن است باشند حمایت می‌کنم، خواه در خشکی و خواه در دریا، در شرق یا در غرب باشند، همان‌گونه که از خودم، جانشینانم و مردم جامعه دینی‌ام از مؤمنین و مسلمین حمایت می‌کنم.

من آنان را در مقابل هر گزند و آسیبی تحت حمایت خود در می‌آورم، برای این که آنان را از هرگونه تقاضا و یا اجبار سخت معاف بدارم. من پشت سر آن‌ها ایستاده‌ام، خودم به کمک پیروانم، یارانم و آحاد امتم از آن‌ها محافظت می‌کنم.

با داشتن حق حاکمیت بر آن‌ها، بر آنان حکمرانی کرده و آن‌ها را از همه آسیبی محافظت کرده و اطمینان می‌دهم که هیچ آسیبی که به من نخواهد رسید به آنان نیز نخواهد

رسید و اصحابم، به همراه من، از این حاکمیت مسجل حمایت خواهند کرد.

من آسیب در اموال را از آنان دور کرده، که اهل عهد را از دادن عاریه و خراج (مالیات زمین) معاف می‌دارد، مگر آن که خودشان به پرداخت کردن آن رضایت بدهند. در این خصوص چیزی را نباید بر آنان تحمیل کرد.

هرگز مجاز نیست که اسقفی را از حوزه اسقفی‌اش و یا مسیحی‌ای را از مسیحیتش، راهبی را از زندگی زاهدانه‌اش یا زائری را از زیارتش و یا یک راهب عزلت‌نشینی را از کاشانه‌اش بیرون کرد. همچنین مجاز نیست که به هیچ بخشی از کلیساهایشان آسیب رساند، بخشی از ساختمان-هایشان را برای احداث مساجد و یا خانه‌های مسلمانان تصاحب کرد. هر کس که چنین کند عهد خداوند را شکسته، از رسولش نافرمانی کرده و به پیمان خداوند خیانت ورزیده بوده باشد.

مجاز نیست که هیچ‌گونه مالیات سرانه‌ای (خراج) یا هرگونه مالیات دیگری بر رهبانان یا اسقفان تحمیل شود، مگر آنچه خودشان تمایل به پرداخت آن داشته باشند.

برای دارندگان مشاغل بزرگ، غواصان، آنانی که سنگ‌های قیمتی، طلا و نقره از معادن استخراج می‌کنند، آنانی که ثروتمند و نیرومند هستند، از میان آن‌هایی که به مسیحیت اقرار دارند، تا مادامی که آن‌ها اهالی و یا ساکنان این ممالک بوده و مسافر نیستند، مالیات سرانه‌ای (جزیه) بیش از دوازده درهم در سال نباید از آنان مطالبه شود.

مسافر، یا مقیمی که محل [اقامتش] نامشخص است، نباید به پرداخت مالیات زمین (خراج) یا جزیه مجبور

گردد، مگر آن که زمینی را به ارث برده باشد که سلطان روی آن حقی مالی داشته باشد. او باید پول (مال) را همانند دیگران بپردازد، البته بدون جریمه‌های اضافی که خارج از توان وی باشد.

درباره نیروی کار که دارندگان برای کشت و زرع زمین‌ها و برای حاصلخیز کردن و درو کردن محصولاتشان به کار می‌برند، نباید از آن‌ها مالیات اضافی گرفت. اجازه دهید که آنان همانند دیگر تحت‌الحمایگان (ذمی‌ها) پرداخت نمایند.

غیرمسلمانان آزادی که از حمایت مسلمانان برخوردارند (اهل ذمه) را نمی‌توان مجبور کرد که به جنگ رفته تا با دشمنانشان جنگیده، به آنان حمله کرده و یا آن‌ها را اسیر کنند. در حقیقت، چنین غیرمسلمانان آزادی (اهل ذمه) به همراه مسلمانان نباید بجنگند. دقیقاً برای آزاد کردن آن‌ها از این اجبار است که این معاهده به آن‌ها داده شده است تا آنان را از کمک و حمایت مسلمانان مطمئن سازد. آن‌ها مجبور نخواهند بود که به همراه مسلمانان بیرون رفته تا با دشمنانشان روبرو شده یا مجبور باشند که به آن‌ها (مسلمانان) اسب‌ها و سلاح‌هایشان را بدهند مگر آن که خودشان بخواهند آزادانه به این راه کمک نمایند. هر کس که این‌گونه عمل کند برای چنین عملی شایسته تقدیر است.

هیچ مسیحی به اجبار مسلمان نخواهد شد. و لاتجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن / با اهل کتاب بحث نکنید، مگر به طریقی که بهترین روش باشد (سوره عنکبوت [29] : 46). آنان باید زیر چتر رحمت قرار گیرند. هر آسیبی که به آن‌ها می‌خواهد برسد را از آنان دور کنید،

هرجا که بوده و هستند.

اگر مسیحی‌ای بخواهد جرمی یا تعدی‌ای را مرتکب شود، مسلمانان باید به او کمک کرده و از وی دفاع کنند. آنان باید جرم وی را ببخشند و از شخص مورد تعدی وی بخواهند که با او آشتی کرده، وی را وادار به بخشودن او کرده و یا تاوان را برایش بگیرند.

مسلمانان نباید مسیحیان را رها کرده و آن‌ها را بی‌دفاع بگذارند زیرا من این عهدنامه را از جانب خداوند با آنان می‌بندم که بدانان اطمینان دهم که هر خیری که برای مسلمانان رخ دهد برای آنان نیز چنین خواهد بود و هر ضرری که به مسلمانان بخورد متوجه آنان نیز خواهد بود. به سبب این عهدنامه، آنان دارای حقوق خدشه‌ناپذیر شده تا از حمایت ما بهره‌مند شوند که از هر قانون‌شکنی نسبت به حقوقشان مصون مانده، تا آنان در شادی و غم همراه مسلمانان باشند. مسیحیان نباید به اکراه مجبور به پذیرش ازدواج‌هایی شوند که بدان‌ها میل ندارند. مسلمانان نباید با دختران مسیحی برخلاف رضایت والدینشان ازدواج کنند و نیز نباید خانواده‌های آنان را در صورتی که از پیشنهاد عقد و ازدواج رویگردانی می‌کنند به این کار مجبور نمایند. چنین ازدواج‌هایی نباید بدون خواست و موافقت آن‌ها و بدون تأیید و رضایت آن‌ها صورت پذیرد.

چنانچه مسلمانی با زنی مسیحی ازدواج کند، وی باید به اعتقادات مسیحی‌اش احترام بگذارد. او (شوهر) باید وی (خانم) را آزاد گذاشته تا بر حسب تمایل به گفته‌های بزرگان دینی‌اش گوش کند، از دین خودش پیروی نماید و وی (شوهر) نمی‌تواند وی را مجبور به ترک آن (مسیحیت)

نماید. هر کس که برخلاف این دستور عمل کرده و همسرش را مجبور کند که به هر شکلی برخلاف دینش عمل کند، وی عهد خداوند را شکسته باشد و آشکارا برعلیه عهدنامه رسولش عصیان کرده باشد و خداوند وی را از ظالمین قرار خواهد داد.

اگر مسیحیان برای تعمیر کلیساها و صومعه‌هایشان یا برای انجام امور مربوط به خودشان نیازمند کمک مسلمانان باشند، آن‌ها (مسلمانان) باید بدان‌ها کمک نمایند، اما نباید این کار را به هدف دریافت پاداشی انجام دهند. به‌عکس، هدفشان باید قوام دین باشد، آن هم از روی ایمان به عهدنامه پیامبر خدا و با خلوص کامل و به عنوان عملی با فضیلت در پیشگاه خدا و رسولش.

در خصوص جنگ میان آن‌ها و دشمنانشان، مسلمانان از هیچ مسیحی‌ای نباید به عنوان پیک، دیده‌ور، راهنما و یا خبربر و یا هر وظیفه دیگر جنگی استفاده کنند. هر کسی که هر کدام از آنان را مجبور به چنین کاری کند از ظالمین بوده، عصیانگر برعلیه پیامبر خدا بوده و برخلاف وصیتش عمل کرده بوده باشد.

این‌ها شرایطی هستند که محمد، پیامبر خدا، برای جامعه مسیحی در خصوص دین و جامعه دینی ذمی (تحت-الحمایه) آنان مقرر داشته است. آنان باید این عهدنامه را برگرفته و به آنچه موافقت کرده‌اند احترام بگذارند.

علاوه بر دیگر موارد، هیچ‌یک از آن‌ها نباید به عنوان دیده‌ور، جاسوس، خواه علنی و خواه مخفیانه برای دشمن در جنگ برعلیه مسلمانی عمل کنند. هیچ‌کدام از آنان نباید دشمنان مسلمانان را که منتظر فرصتی برای حمله به آن‌ها

هستند، در خانه‌هایشـان پنـاه دهنـد. ایـن دشـمنان [مسـلمانان] نیـز نبایـد در منـاطق‌شـان تـردد نماینـد، خـواه در روسـتاها، نمازخانه‌ها و یا هر مکان دیگری که بـه هـم‌کیشانشـان تعلـق داشـته باشـد. آنـان نبایـد بـا در اختیـار قـرار دادن سـلاح‌هـا، اسب‌ها، نفرات یا هر چیز دیگری و حتی سلام کردن، هـیچ-گونه کمکی به دشمنان حربی مسلمانان بکننـد. آن‌هـا بایـد بـه مدت سه شبانه‌روز از مسـلمانان و حیواناتشـان کـه در میـان آن‌ها توقف می‌کنند پذیرایی کنند. آن‌ها (مسـیحیان) بایـد آنـان (مسلمانان) را در هر جایی که بوده و به هر جـایی کـه مـی-روند از همان غذایی کـه خودشـان مصـرف مـی‌کننـد اطعـام کرده که البتـه ایـن کـار بـدون مجبـور شـدن بـه هـر زحمـت ناراحت‌کننده یا طاقت‌فرسای دیگری می‌باشد.

چنانچـه مسـلمانی نیـاز داشـته باشـد کـه در منـازل و یـا نمازخانه‌های آنان مخفی شود، آن‌ها باید از او مهمـان‌نـوازی کرده، به وی کمک کرده و در طول مـدتی کـه وی در میـان آنان است به وی غذا دهند، همه‌گونه تلاش به عمل آورده تـا وی در اختفاء بماند و دشمن را از یافتنش منـع کـرده و همـه نیازهای او را برآورده سازند.

هر کسی که مفاد این حکم را نقض کرده یـا فـرامین ایـن حکم را تغییر دهد، از عهد خداونـد و رسـولش بیـرون رفتـه بوده باشد.

لازم است کـه همگـان بـه قراردادهـا و معاهـداتی کـه بـا پادشاهان، رهبانـان و مسـیحیان از اهـل کتـاب منعقـد شـده و آن‌هایی که خودم آن‌ها را منعقد ساخته‌ام و هر تعهدی که هر پیامبری نسبت به امت خود داشته است پایبند و ملتـزم باشـند تا آن‌ها را از حمایت و مصونیت مطمئن ساخته و با آنان بـه

عنوان مضمون عنهم رفتار نمایند.

این امر تا روز قیامت نباید نقض شود و یا تغییر یابد.

این سند توسط محمد رسول الله برای مسیحیانی نوشته شده که به وی درخواست کتبی داده بوده و این عهدنامه را از وی تقاضا کرده بودند، توسط شهود ذیل گواهی می‌گردد: ابوبکر صدیق، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابیطالب، معاویة بن ابی‌سفیان، ابودرداء، ابوذر، ابوهریره، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، حمزه بن عبدالمطلب، فضل، زید بن ثابت، عبدالله بن زید، حرفوس بن زید، زبیر بن عوام، سعد بن معاذ، ثابت بن قیس، اسامه بن زید، عثمان بن مظعون، عبدالله بن عمر بن عاص، ابن ربیعه، حسان بن ثابت، جعفر بن ابیطالب، ابن عباس، طلحه بن عبیدالله، سعد بن عباده، زید بن ارقم، سهل بن بیضاء، داود بن جبیر، ابوالعالیه، ابوحذیفه بن عسیر، هاشم بن عسیه، عمار بن یاسر، کعب بن مالک، کعب بن کعب که درود خداوند بر آنان باد.

این عهدنامه به املاء رسول الله و به قلم معاویة بن ابی سفیان در دومین روز ماه ربیع/ اربعه اشهر از سال چهارم هجری در مدینه کتابت شد.

و خداوند شاهد است بر آنچه این سند آن را در بر دارد.

الحمد لله رب العالمین.

فصل پنجم: عهدنامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان جهان‌مخطوطه قاهره

ترجمه به انگلیسی توسط جان اندرو مارو در 2013

بسم الله الخالق الحی الناطق الباقی بعد فناء الحق

این نسخه‌ای از عهدنامه‌ای است که توسط محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب برای مسیحیان نوشته شده است.

نسخه عهدنامه

این عهد خداوند است که دستور داده شده تا توسط محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب، رسول خدا، صلی الله علیه و آله و سلم برای همه مسیحیان و همه رهبانان و برای حمایت و صیانت از آنان نوشته شود زیرا آنان ودیعه (امانت) خداوند در میان خلق او هستند و برای این که این عهدنامه حجتی برای آنان باشد و هیچ ادعایی در برابر خداوند و رسولش باقی نماند. او این را حمایت (ذمه‌ای) از جانب وی قرار داده و حمایتی برای آنان به امر خداوند قرار داد و خداوند عزتمند و حکیم است. این عهدنامه توسط اسد و مردم هم-کیش وی برای همه آنانی که به دین مسیحیت اعتقاد و اعتراف دارند، چه در سرزمین‌های شرقی و چه در غربی بوده، خواه نزدیک و یا دور بوده، چه عرب باشند و چه غیر عرب، معروف و یا غیر معروف باشند، به عنوان عهدی برای وی (پیامبر)، عدالت و سنتی که باید حفظ شود، نگاشته می‌شود.

هر کس که به این عهدنامه عمل کند ملتزم به دین بوده و حق دین را ادا کرده باشد. هر کس که آن را نقض کرده و عهدنامه را که توسط رسول خدا بدان فرمان داده شده است

در معرض خطر قرار داده، آن را تغییر داده، و از آنچه بدان دستور داده شده عدول نماید، عهد خداوند را رد کرده باشد، میثاق خداوند را منکر شده باشد، به دین اهانت کرده باشد، و سزاوار لعنت بوده باشد، خواه وی در میان مؤمنین و مسلمین سلطان بوده و یا شخص دیگری باشد.

من این کار را با متعهد کردن خودم به عهدنامه آغاز کردم، عهدنامه‌ها و میثاق‌هایی را به آنانی که آن را از من و از همه امت مسلمانم درخواست کرده بودند اعطا کردم. من عهد خداوند و میثاقش را به آن‌ها دادم و آن‌ها را تحت حمایت پیامبرانش، بندگان برگزیده‌اش، اولیاءاش از میان همه مؤمنین و مسلمین در همه اعصار قرار داده‌ام. حمایت (ذمه) و میثاق من محکم‌ترین عهدی است که خداوند متعال به پیامبرش حقی داده است تا طلب اطاعت کرده، واجبات را معین کرده و عهد را محترم بشمارد.

عهد خداوند چنین باشد که من باید از سرزمینشان و دینشان با قدرتم، اسب‌هایم، نفراتم، سلاح‌هایم، نیرویم و پیروان مسلمانم در هر منطقه، خواه دور و خواه نزدیک محافظت نمایم و این که باید حافظ تجارتشان هم باشم. من به آنان، کلیساهایشان، تجارتشان، عبادتگاه‌هایشان، مکان‌های رهبانانشان و زائرانشان، هر کجا که باشند، خواه در کوهستان‌ها و یا دشت‌ها باشند، خواه در غارها و یا مناطق مسکونی باشند، در دشت‌ها و یا بیابان‌ها باشند، من باید از ذمه آن‌ها، دین و آئینشان، در هر کجا که باشند، خواه در شرق و یا در غرب باشند، در دریا باشند و یا در خشکی، همان‌طور که از خودم، افراد خودم و اهل دینم از مسلمانان حمایت می‌کنم، از آن‌ها نیز حمایت کنم.

من آن‌ها را همواره تحت حمایت (ذمه)، میثاق و امان خودم قرار می‌دهم. من از آنان در مقابل هر آزار، ضرر و یا عقوبتی حمایت می‌کنم. من پشت سر آن‌ها بوده، از آنان در مقابل هر دشمنی و یا هر کسی که بخواهد آزاری به آنان برساند حمایت می‌کنم. من در جهت حمایت از آنان به کمک یارانم، پیروانم و اهل دینم سعی و تلاش کرده زیرا آن‌ها رعایای من بوده و مردمان تحت حمایت (ذمه) من هستند و من حاکمیت، توجه و حمایت خود از آنان را در مقابل هر گزندی برقرار کرده که آسیبی به آنان نرسد. هیچ گزندی به آنان نخواهد رسید مگر آن که به اصحابم که از آنان حمایت و اسلام را نصرت می‌کنند هم ممکن است برسد.

من آسیب ناشی از مالیات‌ها و وام در خصوص موادی که برای اهل عهد معین می‌شود را برداشته، مگر آن چیزی که خودشان رضایت به دادن آن داشته باشند. آنان نباید در این مورد مجبور شده و یا مورد رفتار ناعادلانه قرار گیرند.

اجازه نیست که اسقفی را از قلمرو اسقفی‌اش، راهبی را از زندگی راهبانه‌اش، مسیحی‌ای را از مسیحیتش، زاهدی را از عزلت‌سرایش یا زائری را از مکان زیارتی‌اش بیرون کنند. همچنین اجازه نیست که هیچ بخشی از کلیساها، تجارت‌خانه‌های آنان تخریب شده یا بخش‌هایی از ساختمان‌هایشان برای ساختن مساجد یا منازل برای مسلمانان مؤمن گرفته شود. هر کسی که چنین کند، عهد خداوند را نقض کرده بوده، باپیامبرش مخالفت ورزیده و از پیمان خدایش روی گردانده باشد.

اجازه نیست که مالیات سرانه (جزیه) یا هرگونه مالیات زمین (خراج) برای رهبانان، اسقف‌ها و یا عابدان در میان آن‌ها که از روی اخلاص دینی لباس پشمینه بر تن کرده، در کوهستان‌ها و یا در دیگر مناطق دور از حضور انسان‌ها عزلت گزیده‌اند، وضع گردد.

مالیات سرانه (جزیه) در مورد مسیحیانی اعمال می‌شود که عالم روحانی نبوده، به استثنای راهب یا زائر، که آنان باید به میزان چهار درهم در سال یا یک پارچه ارزان قیمت را بدهند. آن کس که پول ندارد یا غذایی برای قوت خود ندارد، مسلمانان باید وی را با اموال بیت‌المال یاری رسانند. اگر آنان در یافتن غذا دچار مشکل شوند، مسلمانان به آنان کمک خواهند کرد به شرطی که خودشان با تمایل بپذیرند.

لازم است که مالیات بر زمین (خراج) درباره تجارت‌های عمده خواه از طریق خشکی و خواه دریا، صید گوهر، حفر معادن برای سنگ‌های قیمتی، طلا و نقره و یا در مورد آن‌هایی که از میان آن‌هایی که به دین مسیحیت معتقد و معترفند، از دوازده درهم (نقره) در سال تجاوز نکند، آن هم تا مادامی که آن‌ها ساکنان و مقیمان این کشورها هستند.

لازم است که چیزی مشابه از مسافرانی که مقیم کشور نبوده یا رهروانی باشند که کشور و یا محل اقامتشان نامشخص است، هیچ مالیات بر زمین (خراجی) به همراه مالیات سرانه (جزیه) برای دیگران، به جز آن‌هایی که زمین‌دار هستند، نخواهد بود، همان‌طور که درباره دیگر صاحبان زمین‌ها که حاکم بر اموالشان حقی دارد چنین است. آنان همانند دیگران مالیات‌ها را پرداخت خواهند کرد،

اما بدون جریمه‌هایی که به‌طور ناعادلانه از میزان توانشـان بالاتر باشد. در رابطه با نیروی کار که دارندگان [زمین‌هـا] برای کشاورزی در این زمین‌ها صرف می‌کنند، بـرای ایـن کـه آن‌هـا را حاصـلخیز کـرده، از آن‌هـا محصـول برداشـت نمایند، این‌هـا مشـمول مالیـات اضـافی نخواهند شـد. اجـازه بدهید آنان به همان نحو و به طـور عادلانـه کـه بـرای سـایر خراج‌گذاران چنین مقرر شده است رفتار نمایند.

مردمان تحت حمایت ما (اهل ذمه) مجبور نخواهنـد بـود کـه بـه همـراه مسلمانان بـه جنـگ برونـد تـا بـا دشمنانشـان جنگیده و به آنان حمله کنند. در واقع مردمـان تحـت حمایـت ما (اهل ذمه) در جنگ دخیل نیستند. این به معنای عذر آنـان را از این اجبار خواستن می‌باشـد کـه ایـن قـرارداد بـه آن‌هـا هدیه شده است و نیـز بـرای ایـن اسـت کـه آنـان از کمـک و حمایت مسلمانان خاطرجمع باشند. آنان مجبور نخواهنـد بـود که تجهیزاتی را برای مسلمانان فراهم آورند، چه به صـورت سلاح‌ها و چه به صورت نفرات. در صـورت بـروز جنگـی کـه در آن مسـلمانان بایـد بـه دشـمن حملـه کننـد، مسـیحیان مجبور به مشارکت نبوده، مگر آن که خودشان به میـل خـود تمایل به همکاری با مسلمانان داشته باشند. و آنچـه مسـلمانان قرض می‌گیرند از سوی بیت‌المال مورد ضمانت خواهد بـود تا آن که بـه آنـان بـاز گردانـده شـود. در صـورتی کـه آن‌هـا بمیرند یا مجروح شوند، بیت‌المال بـه صـورت مـالی جبـران خواهد کرد.

هیچ‌یک از آنانی کـه عامـل بـه دیـن مسـیحیت هسـتند را نمـی‌تـوان بـه داخـل شـدن در دیـن اسـلام مجبـور کـرد. ولاتجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن (سوره عنکبوت

[26] : 46). آنان باید مورد شفقت قرار گرفته و هر آسیبی که ممکن است به ایشان برسد، هر کجا هستند و ممکن است باشند، باید از آنان دفع گردد.

در صورتی که یک شخص مسیحی بخواهد کاری را انجام دهد، مسلمانان باید به او کمک کنند و نیز باید جبران خسارتش را فراهم نمایند. آنان نیز باید وسایل صلح میان وی و مصدوم را فراهم آورده و به وی کمک نمایند.

مسلمانان نباید شخص مسیحی را رها کرده و یا او را بدون کمک بگذارند، زیرا من عهد خداوند را که برای مسلمانان الزام‌آور است به آنان داده‌ام.

در سایه این عهدنامه، آنان از حقوقی خدشه‌ناپذیر در سود بردن از حمایت ما بهره‌مند شده، از هرگونه تضییع حقوقشان مصون مانده، مورد بی‌مهری، مخاصمه و یا بی-توجهی قرار نگرفته و از این رو نسبت به مسلمانان هم در خوشی و هم در غم شریک و وابسته خواهند بود.

دختران مسیحی نباید به اجبار در معرض ازدواج‌هایی قرار گیرند که میلی بدان ندارند. مسلمانان نباید دختران مسیحی را در ازدواج‌هایی که برخلاف خواست والدینشان می‌باشد بگیرند، همچنین نباید در صورتی که خانواده-هایشان از عقد و ازدواج امتناع ورزیده‌اند آن‌ها را به اجبار وادارند. چنین ازدواج‌هایی نباید بدون تمایل و موافقت و بدون تأیید و رضایت آنان واقع شود.

اگر مسلمانی زنی مسیحی را به همسری برگزینند، باید به عقاید مسیحی‌اش احترام بگذارد. او (شوهر) باید به وی آزادی دهد تا به سخنان بزرگان روحانی‌اش گوش دهد در صورتی که وی بخواهد راه دین خودش را ادامه دهد. هر

کس که برخلاف این دستور همسر مسیحی‌اش را مجبور کند که برعکس دینش عمل کند، وی عهد خداوند و میثاق پیامبرش را شکسته بوده باشد و وی نزد ما از دروغگویان خواهد بود.

اگر مسیحیان برای درخواست کمک برای تعمیر کلیساها و دیرهایشان نزد شما مسلمانان آمده‌اند و برای هماهنگی اموری که به کارها و دینشان مربوط می‌شود، این‌ها (مسلمانان) باید آنان را کمک نمایند. اما آن‌ها نباید این کمک‌ها را به قصد دریافت اجر و یا به عنوان دین انجام دهند. به‌عکس، آنان این کار را به قصد تحکیم آن دین انجام داده، از روی صداقت نسبت به عهد رسول خدا، از روی کمک خالصانه، و به عنوان عملی پسندیده نزد خدا و رسولش.

در خصوص جنگ میان آنان و دشمنانشان، مسلمانان از هیچ فرد مسیحی به عنوان پیک، دیده‌ور و یا راهنما برای نشان دادن قدرت و یا هر وظیفه دیگر جنگی استفاده نخواهند کرد. هر کس که هر یک از آنان را به چنین کاری مجبور کند، نزد خداوند، ظالم، نزد پیامبرش عصیانگر بوده و از دین بیرون‌شده بوده باشد. هیچ چیزی برای مسلمانان در رابطه با مسیحیان خارج از اطاعت از این فرامین که محمد بن عبدالله، رسول خدا، به سود دین مسیحیان قرار داده است نمی‌باشد.

من نیز شروطی را برای مسیحیان وضع کرده و می‌خواهم که آنان متعهد شوند که این‌ها را همانند اوامر دینشان برآورده و بدان‌ها عمل کنند. علاوه بر دیگر شروط، هیچ‌کدام از آن‌ها نباید به عنوان دیده‌ور، جاسوس، خواه آشکارا

و خواه در خفا به نفع دشمن حربی برعلیه مسلمانان عمل کنند. هیچ‌کدام از آن‌ها نباید دشمنان مسلمانان را در خانه- هایشان پناه داده که آن‌ها منتظر فرصت بوده تا حمله‌ای را آغاز کنند. این دشمنان هرگز نباید اجازه یابند که در مناطق- شان، خواه در روستاها و یا در نمازخانه‌هایشان و یا در هر جای دیگری که مربوط به هم‌کیشانشان باشد، تردد نمایند. آن‌ها نباید هیچ‌گونه حمایتی به شکل دادن سلاح‌ها، اسب‌ها، نفرات و یا تقاضای چیزهای غیرضروری، نسبت به دشمنان حربی مسلمانان نشان دهند. آن‌ها نباید آنان (مسلمانان) را ناراحت کرده و آنان (مسیحیان) باید تا زمانی که بر دین خود اصرار می‌ورزند و به عهد خودشان پایبند هستند محترم شمرده شوند. آن‌ها باید مسلمانان را زمانی که در مناطقشان تردد می‌کنند سه شبانه‌روز پذیرایی نمایند. آن- ها [مسلمانان] باید هر کجا که بودند و به هر کجا که می- روند از همان غذایی اطعام شوند که آنان [مسیحیان] خود میل می‌کنند، بدون این‌که مجبور باشند هرگونه زحمت یا کار اضافی دیگری را بر عهده بگیرند. چنانچه مسلمانی نیاز داشته باشد که در یکی از خانه‌ها و یا نمازخانه‌هایشان پنهان شود، آنان باید از وی پذیرایی به عمل آورند، به وی کمک کرده، و در تمامی مدتی که وی [شخص مسلمان] در آنجا است از غذایی که متداول میان خودشان است وی را اطعام کنند و همه‌گونه تلاش کنند تا وی را مخفی کرده و دشمن را از دسترسی به وی منع کرده و در عین حال همه نیازهای وی را برآورده سازند.

هر کس که موارد این فرمان را نقض کند از عهد خداوند و رسولش بیرون رفته باشد.
همه باید به عهدها و میثاق‌هایی که با رهبانان بسته شده و من خودم آن‌ها را منعقد کرده‌ام، در هر کجا که باشند، عمل نمایند.
رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم]، باید به دلیل مسئولیتش و از سوی همه مسلمانان به آنچه عطا کرده احترام گذاشته، از آن‌ها صیانت کرده و تا روز قیامت و تا پایان جهان نسبت به آنان (مسیحیان) مهربان باشد.
هر کس که از این به بعد نسبت به مسیحیان بی‌عدالتی پیشه کند عهد را شکسته بوده و آن را نقض کرده بوده باشد و من روز قیامت در میان همه مسلمانان خصم او خواهم بود.
شهود زیر که سی نفر هستند بر این عهدنامه گواه بوده که توسط [حضرت] محمّد بن عبدالله، رسول خدا، صلی الله علیه و آله و سلم، نوشته شده و نسبت به همه مسیحیان شروطی را درج کرده است و برای آنان این عهد را نوشته است، ابوبکر صدیق، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابیطالب، ابوذر، ابودرداء،...
علی بن ابیطالب رضی الله عنه این عهدنامه را نوشته و اصل آن بر تکه‌ای چرم که اندازه آن کوچک نبود به تحریر درآمد. این عهدنامه در اختیار سلطان بوده و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مهر و موم شد.
این کتاب [عهدنامه] مبارک در روز مقدس دوشنبه در آخرین ماه مبارک بَؤونة در سال شهدای گرانقدر، خوشبختان پاکباز، که خداوند شفاعتشان را نصیب ما کرده

و با ما باشد منعقد شده است. آمین.

این تاریخ مطـابق اسـت بـا 27 محـرم‌الحـرام سـال 945 هجری. خداوند آن را ختم به خیر بگرداند. آمین.

فصل ششم: معاهده فیمابین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم با مسیحیان آشوری

[ترجمه انگلیسی ذکرشده در کتاب مالخ در 1910، صص 230 -228]

[ترجمه انگلیسی توسط دکتر محمد الکوش]

خداوند متعال در عالم رؤیا به من امر فرموده که چه انجام بدهم و من فرمان او را با قول محکم به عمل به این موافقت‌نامه تأیید می‌کنم.

من به پیروان اسلام سفارش می‌کنم که فرمان مرا انجام داده و از امت مسیحی در این کشور و در کشور خودشان حمایت کرده و بدان‌ها یاری رسانند.

اماکن عبادات آن‌ها را در آرامش نگه دارید، بزرگشان و اسقف‌هایشان را زمانی که به کمک نیاز دارند یاری نمایید، خواه در کوهستان‌ها باشند و خواه در بیابان‌ها، در دریا باشند و یا در منزلشان.

تمامی دارائی‌های آنان را همان‌طور که هستند نگه دارید، خواه خانه‌هایشان باشد یا دیگر اموالشان؛ هیچ چیزی از مایملکشان را از بین نبرید، پیروان اسلام نباید به هیچ-کدام از افراد این امت ضرر و یا بی‌حرمتی روا دارند، زیرا مسیحیان تحت‌الحمایه من بوده، به من جزیه پرداخته و به مسلمانان کمک خواهند کرد.

هیچ مالیاتی از آن‌ها گرفته نخواهد شد مگر آنچه مورد توافق است، ساختمان‌های کلیساهایشان به همان شکلی که هست باقی خواهد ماند، آنها تغییر نخواهند کرد، اسقفان آنها برای تدریس و عبادت به شکل خاص خودشان آزاد خواهند

بود، مسیحیان آزادی کامل خواهند داشت تا در کلیساها و منازلشان به عبادت بپردازند.

هیچ‌کدام از کلیساهایشان ویران نخواهد شد و یا به صورت مسجد تغییر پیدا نخواهد کرد، مگر با رضایت و خواست آزادانه مسیحیان. اگر کسی از این فرمان سرپیچی کند، خشم خداوند و رسولش بر او خواهد بود.

مالیات (جزیه) پرداخت‌شده از سوی مسیحیان باید برای پیشبرد تعالیم اسلام صرف شده و باید در بیت‌المال قرار گیرد. شخص عادی [مسیحی] باید یک دینار پرداخته، اما تجار و مردمانی که دارای معادن طلا و نقره بوده و ثروتمند هستند دوازده دینار خواهند پرداخت. بیگانگان و آنانی که بی‌خانمان بوده و یا ملک معینی ندارند نباید به پرداخت مالیات‌ها مجبور شوند. اگر مردی ملکی را به ارث ببرد، وی باید مبلغ مقرری را به بیت‌المال بپردازد.

مسیحیان مجبور نخواهند بود که به جنگ دشمنان اسلام بروند، اما اگر دشمنی به مسیحیان حمله کرد، مسلمانان کمک خود را دریغ نخواهند کرد، بلکه به آنان، در صورتی که نیاز داشته باشند، اسب و سلاح خواهند داد و آنان را از شر بدی‌ها از خارج نگه داشته و با آنان در صلح خواهند بود. مسیحیان مجبور نخواهند بود که به اسلام بگروند. مگر آن که خداوند آنان را از مؤمنان قرار دهد.

مسلمانان زنان مسیحی را مجبور به پذیرش اسلام نخواهند کرد، اما اگر خودشان بخواهند آن [اسلام] را بپذیرند، مسلمانان با آنان مهربان خواهند بود.

اگر زنی مسیحی با یک مسلمان ازدواج کند و نخواهد که اسلام را بپذیرد، وی آزادی خواهد داشت تا در کلیسای

خود بر طبق عقیده دینی خود عبادت کرده، و شوهرش نباید با وی به خاطر دینش بدرفتاری نماید.

اگر کسی از این دستور سرپیچی نماید، او از فرمان خدا و پیامبرش سرپیچی کرده و گناهی بزرگ را مرتکب شده است.

اگر مسیحیان بخواهند که کلیسایی بنا کنند، همسایگان مسلمانشان به آن‌ها کمک خواهند کرد. این کار انجام خواهد شد، زیرا مسیحیان از ما پیروی کرده، به سوی ما آمده و تقاضای صلح و رأفت کرده‌اند.

در صورتی که شخصی بزرگ و عالم در میان مسیحیان باشد، مسلمانان باید او را اکرام کرده و نباید به بزرگی‌اش حسادت بورزند.

اگر نسبت به مسیحیان بی‌عدالتی ورزیده و یا با آنان نامهربان باشد، او مرتکب نافرمانی دستور پیامبر خدا شده باشد.

مسیحیان نباید به هیچ‌کدام از دشمنان اسلام پناه داده، به او اسب یا اسلحه و یا هر کمک دیگری بدهند.

اگر مسلمانی نیازمند کمک باشد، مسیحی باید سه شبانه-روز میهمان‌دار او بود و او را از دسترس دشمنانش دور کند.

علاوه بر این، مسیحیان از زنان و کودکان مسلمان محافظت کرده و نباید آن‌ها را به دشمن داده و یا آن‌ها را در معرض دیدشان قرا دهند.

اگر مسیحیان از عمل به این شرایط کوتاهی نمایند، آن-ها حق خود برای حمایت را از دست داده و قرارداد بی‌اثر است.

این سند بـرای محافظـت نـزد رئـیس مسـیحیان و رئـیس کلیساهایشان در آرشیو نگهداری شده‌اند.

تأييدات در خصوص معاهدات حضرت محمد صلي الله عليه وآله وسلم با مسيحيان جهان

اين حكايت قدرت متحد كردن جوامع مسلمان و مسيحى را دارا است. اين كتاب اثرى عالمانه بوده، نشر آن به موقع و متن آن براى پيشبرد احترام متقابل و آزادى دينى از اهميت برخوردار است.

شيخ فيصل عبدالرؤوف، مدير، برنامه قرطبه

جان اندرو مارو در كتاب سودمند خود در مطالعات اديان ابراهيمى به بيان اين داستان مى‌پردازد كه حضرت محمد [صلى الله عليه وآله وسلم] از تجارب زندگى خود در بيابانها درس مهمان‌نوازى و حمايت كردن را براى نزديك‌تر كردن مسلمانان و مسيحيان گرفته است كه اين امر همانطور كه در زمان آن حضرت لازم بود، اكنون هم مورد نياز است. با اهل كتاب بودن فتنه‌اى بر نمى‌خيزد.

جوزف هابز، دانشگاه ميسورى

امروزه بيش از هر زمان ديگرى در مى‌يابيم كه يا بايد ياد بگيريم كه برادرانه زندگى كنيم و يا در غير اين صورت همانند نادانان از بين خواهيم رفت. اين نامه‌ها كه از سوى حضرت محمد [صلى الله عليه وآله وسلم] براى مسيحيان صادر شده است مى‌تواند براى مسلمانان و مسيحيان به عنوان بندگان خداوند، به عنوان دوست،همسايه، و متوليان سياره كوچك الهام‌بخش همزيستى باشد.

اميد صفى، دانشگاه كارولیناى شمالى

معاهدات حضرت محمد [صلى الله عليه وآله وسلم] براى همه آنانى كه به تاريخ فرهنگى و دينى جهان اسلام و روابط فرهنگى ميان اسلام و مسيحيت علاقمند هستند منبع

سودمندی به شمار آید. این اثر برای تقویت تحمل، حسن نیت و تفاهم بهتر میان تمدن‌های گوناگون بسیار مفید است و افق‌های جدیدی برای مطالعات بیشتر بدست می‌دهد.

آیدا قاسموف، دانشگاه دولتی باکو

با تلاش طاقت فرسا و با همت والا در این اثر بدیع، پروفسور مارو یقیناً به جلب نظر دانشجویان و استادان مطالعات اسلامی نائل شده‌اند. در واقع، این کتاب ندایی اصیل برای در نظر گرفتن رابطه میان سه دین وحیانی ابراهیمی مسیحیت، یهودیت و اسلام است.

عمار سلم، دانشگاه محمد اوّل

کتاب جان اندرو مارو، تحت عنوان معاهدات حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] با مسیحیان جهان حاوی مطالب جالب توجه و فکر برانگیز است.

کارن لزلی هرناندز، در کتاب درباره اسلام

معیارهایی که این معاهدات به دست میدهند نه تنها براي زمان پیامبر اکرم [صلی الله علیه وآله وسلم] بلکه در زمانه ما هم مترقیانه است.

آنا ماریا مارتلی، مؤسسه ایتالیایی مطالعات آفریقا و مشرق زمین

این کتاب آنچه را که سومین منبع مهم اسلام بوده و همانا معاهدات و قراردادهای پیامبر با مردم پیرو ادیان ابراهیمی بود را مستند می‌کند. دکتر مارو کشفیات مهمی را ارائه کرده که امر به همزیستی مسالمت آمیز در میان یهودیان، مسیحیان و مسلمانان کرده و شامل ترجمه‌های متعدد برای مقایسه این امر است که چگونه پیامبر و

پیروانش با مسیحیان و یهودیان با احترام و توجه، آنهم فراتر از حد صرف تحمل، برخورد میکردند.

بریجیت بلومفیلد، دانشگاه نبراسکا

این معاهدات تنها فقط اسنادی تاریخی نیستند، بلکه برای همه مسلمانان از آغاز تا آخر الزمان الزام‌آور و معتبر هستند. کتاب دکتر مارو افق‌های جدیدی از قانون بین المللی اسلامی را نشان داده و القاءکننده پژوهش‌های عالمانه بیشتر بر روی معاهدات داریم.

هشام م. رمضان، دانشگاه فنی مهندسی کویر احمد

[کتاب] معاهدات حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] مطالعه‌ای به جا، ابتکاری و تأثیرگذار است که اندیشه‌ها و روش حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] را بسیار مشخص می‌کند.

محمد الکوش، دانشگاه محمد اوّل

این کتاب اثر علمي جالبی است: مجموعه معاهدات حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] اکنون به فراوانی در دسترس قرار گرفته‌اند. اینها بخش اصلی فرمایشات آن حضرت را خصوصاً در رابطه با غیر مسلمانان و عمدتاً مسیحیان تشکیل می‌دهند.

محمدرضا فخر روحانی، دانشگاه قم

دکتر مارو به سبب تخصصش در عربی فصیح و دانش گسترده‌اش از میراث تمدنی اسلامی همه دانشمندانی را که به اسلام علاقمند هستند را آزادانه و شجاعانه به تفکر درباره دینی دعوت می‌کند که همه را به گفتگو و تفاهم فرا می‌خواند. شایسته است که این کتاب بر روی تفسیر کتاب هر خواننده آزاداندیشی باشد که در پی یافتن حقیقت درباره

اسلام است.
سعید منتاك، دانشگاه محمد اوّل
جان اندرو مارو با این کتاب همان کاری را کرد که مارتین لوترکینگ با «نامه‌ای از زندان بیرمنگهام» انجام داد و آن این که مردم را فاصله گرفتن از چیزی دعوت می‌کند که انتظار می‌رود از آن حمایت کنند. او می‌گوید که معاهدات در اینجا در دسترس هستند. اینها را بخوانید، به آنها و به اراده پیامبر احترام بگذارید.
باربارا کاستلنون، نویسنده همکار کتاب زبان عربی،اسلام و قاموس خداوند
اثر علمي مشعشعی است.
کریگ کانسیدین، هافینگتون پست
کتاب معاهدات حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] با مسیحیان جهان که اثری متفکرانه، سهل الوصول و عالمانه است شواهد مهمی برای فهم اسلام به عنوان دینی که بر مبنای آرزوهای حصول به احترام و همزیستی بنا شده است را ارائه می‌دهد.
دان ویلکینسن، پیثوس
طرح عملیاتی معاهدات
در پاسخ به برخورد بربریت گرایی که در زمانه حاضر در حال تخریب جهان است. مسلمانان علاقمندی تصمیم به ارائه طرح معاهدات گرفتند که از معاهدات پیامبر اکرم حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] با مسیحیان جهان ناشی می‌شود. این طرح از همه مسلمانان، اعم از شیعه، سنی، عارف مسلك و همه مذاهب فقهی و گرایشات عرفانی و نیز تحصیل کرده‌ها و غیر تحصیل‌کرده‌ها می‌خواهد که

نامشان را در تأیید بیانیه ذیل درج نمایند.
ما امضاء کنندگان زیر خود از روح و کلمات معاهدات پیامبر اکرم حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] با مسیحیان جهان پیروی کرده و با علم به این که اینها در صورت اصالت از قدرت تشریعی برخوردار بوده و هیچ چیزي در شریعت نبوده، آنگونه که به طور سنتی و درست تبیین شود، که با آنها به مخالفت برخواسته باشد. به عنوان مظلومان وحشت و بی‌خدایی و این که روح سکولاریسم شبه نظامی و دین‌داری غلط امروزه در جهان فراگیر شده است، ما به عنوان مسلمانان از رنج شما مسیحیان آگاهیم و از تأمل در محنت خود به رنج شما مسیحیان واقف هستیم. امیدواریم که خداوند رحمان و رحیم در برابر رنج‌های انسانهای باتقوا و بی‌گناه اجر فراوان عنایت بفرماید. امید است که خداوند ما را نیرومند گرداند، آنهم در جهت اطاعت کامل از خود که بتوانیم از روح و کلمات معاهدات حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] با مسیحیان جهان در تعامل با آنان بهره‌مند گردیم.

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین

ما این بیانیه و مؤیدات آن را به همراه نسخه‌هایی از معاهدات پیامبر اکرم حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] با مسیحیان جهان را برای رهبران مسیحی در خاورمیانه، آفریقا و دیگر نقاط جهان فرستاده که جوامع اکثر آنان امروزه در معرض تهاجم شدید از سوی مسلمانان افراطگرا می‌باشند. نظر به بمبارانها و قتل عام‌هایی که در گذشته به نام اسلام صورت گرفت و نیز کارهای ناشایست دیگري که خدای نکرده ممکن است در آینده صورت بگیرد،

می‌توان گفت که اگر زمانی بخواهد وجود داشته باشد که مسلمانان حساب تروریسم افراطی اسلام نما را از اسلام در ذهن مردمان غیر مسلمان ملت‌های غربی جدا کنند، آن زمان هم‌اکنون است. اسلام از دو قرن پیش به این طرف دائماً با جهان غرب در تماس بوده است و متأسفانه اکنون اسلام اسلام هم از داخل و هم از خارج پیوسته در معرض تهاجم قرار دارد. اما چرا اکنون مسلمانان باید توجه همگان را به رنج‌های مسیحیان معاصر جلب نمایند؟ یکی از دلایل این است که توجهی که رنج‌دیدگان بزرگتر به دیگر رنج‌دیدگان می‌کنند خود عملی جوانمردانه و توانمندساز است. آناني که چیزی به مردم عطا نمی‌کنند، مردم را از خود دور می‌سازند و آنانی که با پیشنهاد کمك می‌آیند مردمان فراوانی را به سوی خود جلب می‌کنند. برای مسلمانان اکنون وقت آن است که از صرف مخالفت ورزیدن و شعار دادن فراتر رفته و بر این عبارت «همه ما که تروریست نیستیم» که با همه صداقتی که در آن نهفته است، برای بیشتر غیر مسلمانان از جنبه حصار محافظت از خود برخوردار است، تأکید ورزند، خواه مورد قبول واقع بشود و یا نشود و موضع‌گیری شجاعانه و همگانی‌ای را در جهت حمایت از مسیحیان صلح‌طلبی که اکنون از سوی برخی مسلمانان منحرف شده که مورد آزار و اذیت هستند را اتخاذ نمایند. این کار باید به نام حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم]، آنهم بر اساس اسنادي که به الفاظ خود آن حضرت بدست آمده است انجام پذیرد.

این پروژه، ان شاءالله دارای سه تأثیر خوب خواهد بود که به ترتیب اهمیت عبارتند از: 1. از مسلمانان تصویر

مناسبی در ذهن آنانی می‌سازد که هنوز هم از عواطف انسانی برخوردار هستند، 2. زندگی برخی از انسانها را می‌تواند نجات دهد، و 3. از نظر خداوند متعال و بر اساس فرمانش که از سوی پیامبرش حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] ابلاغ شده است،چنین کاري پسندیده می‌باشد. صلح و آرامش با احساسات صلح‌طلبانه و یا حضور یافتن در گردهم‌آیی‌های صلح‌آمیز ایجاد نمی‌شود، بلکه با مواجهه و تقابل با برخوردها، آنهم به شرط فراتر نرفتن از یاد خداوند متعال، بدست می‌آید. این امر رویداد نادري است که برتری استراتژیکی، درستکاری اخلاقی، و فرمان الهی با همدیگر همگرایی پیدا کرده و مسیر عمل مشخصی را نشان می‌دهند. اعتقاد داریم که طرح عملیاتی معاهدات چنین همگرایی‌ای را نشان می‌دهد. اگر مسلمان هستید و تحت تأثیر وجدان خود می‌باشید، پس از مطالعه کردن معاهدات پیامبر اکرم حضرت محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] با مسیحیان جهان، آنهم با امعان نظر به این که هیچ‌کس براي شما تصمیم نگرفته و یا شما را به کاری وادار نمی‌کند و این که هیچ اجباری در دین نیست، نام خود را به امضاءکنندگان این طرح عملیاتی اضافه بفرمایید.
نشاني: www.covenantsoftheprophet.org